



جلوگیری از سفر!

درباره سفر رئیس سازمان انرژی اتمی



توافق عمان در کما

نقش عربستان در تعویق نشست صلاله



از نسل رویاپردازان

گزارش شب مجید درخشانی



۲۴۰ مصادره اموال

نگاهی حقوقی به یک موضوع قضایی

## هشدار پزشکيان

رئیس جمهور در جمع از بازنشستگان گفت: آمریکا با محدودیت‌هایی که ایجاد کرده، به دنبال فروپاشی اجتماعی در ایران است



یادداشت روز

## تنگنای آژانس

پیش از آنکه فرصت مذاکره از بین برود باید کانال‌های دیگری را باز کرد

علی بیگدلی

کارشناس مسائل بین‌الملل



پرونده هسته‌ای ایران وارد مرحله‌ای شده که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً اختلاف فنی میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دانست. تصویب قطعنامه علیه ایران در شورای حکام، آن هم در شرایطی که کشور زیر فشار حملات نظامی آمریکا و اسرائیل و همزمان درگیر فشارهای اقتصادی و سیاسی است، نشان می‌دهد شکاف میان ایران و آژانس، ابعاد امنیتی جدی‌تری پیدا کرده است. خطر اصلی فقط ارجاع احتمالی پرونده به شورای امنیت نیست؛ خطر بزرگ‌تر، از بین رفتن تدریجی امکان نظارت و گفت‌وگوی فنی است. قابل پیش‌بینی بود که قطعنامه آمریکا، فرانسه، بریتانیا و آلمان پیش از آنکه صرفاً ماهیتی فنی داشته باشد، حامل پیام سیاسی باشد. با این حال، ارجاع پرونده به شورای امنیت هنوز به‌معنای بسته شدن تمام راه‌ها نیست. مخالفت یا مقاومت چین و روسیه می‌تواند، مانع از شکل‌گیری اجماع علیه تهران شود. اما ایران نیز باید از ظرفیت‌های دیپلماتیک خود برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن این شکاف استفاده کند.

در این میان، نحوه تعامل تهران با آژانس اهمیت زیادی دارد. لغو سفر رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به وین، در شرایطی که اساساً دعوتی برای حضور وجود نداشته، شاید از نظر سیاسی قابل توجه باشد اما در فضای بین‌المللی می‌توانست، تصویر مناسبی ایجاد نکند. در شرایطی که ایران پیش از همیشه به کاهش فشارهای سیاسی نیاز دارد باید در همه مسائل با احتیاط رفتار کرد. موضوع بازرسان آژانس نیز پیچیده‌تر از یک اختلاف ساده است. نگرانی‌های امنیتی ایران پس از حملات نظامی قابل درک است. حضور بازرسان می‌توانست اطلاعات مهمی درباره محل اصابت حملات، میزان خسارت و وضعیت تأسیسات هسته‌ای در اختیار طرف‌های خارجی قرار دهد. با این حال، ادامه محدودیت دسترسی آژانس نیز هزینه دارد. هرچه خلأ اطلاعاتی بیشتر شود، فضای بیشتری برای گمانه‌زنی و تفسیرهای امنیتی ایجاد خواهد شد. کوه کلنگ نمونه روشن همین وضعیت است. اگر اطلاعات ماهواره‌ای آمریکا به این نتیجه برسد که فعالیت هسته‌ای در این منطقه ادامه دارد، بحران می‌تواند وارد مرحله تازه‌ای شود. در شرایطی که پیش‌تر نیز درباره فعالیت‌های هسته‌ای در این منطقه گمانه‌زنی شده و ترامپ از احتمال حمله به اهدافی در ایران سخن گفته، تبدیل شدن یک سوء ظن اطلاعاتی به «یقین» برای واشنگتن می‌تواند، پیامدهای خطرناکی داشته باشد. اما بحران تنها به پرونده هسته‌ای محدود نیست. تنگه هرمز و فشار اقتصادی نیز در حال تبدیل شدن به بخش دیگری از همین معادله‌اند. پرسش مهم این است که ایران تا چه زمانی می‌تواند، هزینه‌های ادامه وضعیت کنونی را تحمل کند؟ تحریم و محدودیت تجارت، وقتی با بیکاری و فشار معیشتی همراه شوند، دیگر صرفاً مسئله سیاست خارجی نیستند. تفاهم‌نامه اسلام‌آباد نیز ظاهراً دیگر همان جایگاه قبلی را ندارد. تهران از بازگشت به آن سخن گفته اما ترامپ اعلام کرده که زمان آن گذشته است. بنابراین شاید به‌جای تلاش برای احیای عین به عین یک توافق قدیمی باید به دنبال چارچوبی تازه برای کاهش تنش بود. ایران امروز بیش از هر زمان دیگری به دیپلماسی نیاز دارد. حتی اگر کانال‌های قبلی از کار افتاده باشند باید مسیرهای تازه‌ای برای گفت‌وگو ایجاد شود. مسئله اصلی عقب‌نشینی یا تسلیم نیست؛ مسئله جلوگیری از تبدیل یک بحران قابل مدیریت به بحرانی غیر قابل کنترل است. اگر فشار نظامی، بحران هسته‌ای و مشکلات اقتصادی همزمان ادامه پیدا کنند، هزینه‌های آن برای کشور افزایش خواهد یافت. دیپلماسی نباید آخرین گزینه پس از شکست همه راه‌ها باشد. اکنون زمان باز کردن کانال‌های تازه است، پیش از آنکه یک سوء محاسبه دیگر، فرصت مذاکره را از بین ببرد.



## بلای خط قرمز

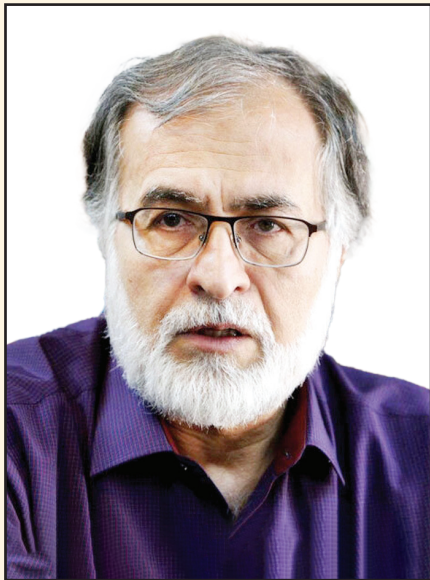
محمد عطریان‌فر، عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت، احمد زیدآبادی، روزنامه‌نگار و علیرضا معزی، مدیر خبرگزاری خبرآنلاین در نشست «خط قرمز» که در دفتر توسعه آموزش رسانه برگزار شد، به بررسی اثرات منفی محدودیت و سانسور بر مطبوعات و روزنامه‌نگاران پرداختند



**علیرضا معزی:** وقتی رسانه دچار ترس و رعب شود، امنیت ملی هم آسیب می‌بیند ● رسانه‌ای که دچار خودسانسوری می‌شود، مرجعیت را از دست می‌دهد و دیگر نه می‌تواند، تاب‌آوری اجتماعی را مدیریت کند و نه می‌تواند مرجعیت داشته باشد ● در کیس سقوط بالگرد آقای رئیسی و هواپیمای اوکراینی ببینید چه رخ داد. رسانه می‌تسید بنویسد و دیدید که شایعه در ابتدای آن چه کرد ● در عصر هوش مصنوعی، خطوط قرمز بی‌معناست ● رسانه، حسگر این جامعه است. مگر می‌شود در جنگ، حسگر جامعه را خاموش کرد؟



**احمد زیدآبادی:** آنچه می‌تواند در معرض قضاوت قضایی قرار بگیرد، عمل است. سخن باید از حوزه جرم خارج شود ● جامعه ما دچار خشم است. دچار سرخوردگی عمومی شده است ● این‌روزها دیگر سویاپ اطمینان وجود ندارد ● دولت نباید در حوزه مطبوعات دخالت کند ● مردم عادی اصلاً نمی‌خواهند کشور به‌هم بریزد ● صداوسیما دستگاه تولید جهل است. در مقابل او هم ایران اینترنشنال است که آن هم دروغ می‌گوید ● هر کاری نیازمند حسن نیت و اخلاق است. چون قانون مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد



**محمد عطریان‌فر:** آنچه باعث تاب‌آوری ما در رسانه شده است، محصول تلاش خود روزنامه‌نگاران بوده، نه برکت حکومت یا دولت‌ها ● جمهوری اسلامی، حکومت ایدئولوژیک نیست، حکومتی مصلحت‌گراست و امروز نیز بنابر مصلحت خودش اقدام می‌کند ● عصر سازندگی و اصلاحات از سال ۶۸ تا ۸۴ رخ داد و همه ما انتظار داشتیم که مسیر کشور آن باشد، اما متأسفانه شکست خورد. حتی استخوان‌های حسن روحانی که مدیر درجه یکی بود را نیز شکستند و ما را به دوره دیگری بردند

عاطفه شمس

گروه سیاسی



عبارت «خط قرمز» سال‌هاست در ادبیات رسانه‌ای ایران تکرار می‌شود؛ مرزی که همه از آن حرف می‌زنند اما کمتر کسی می‌تواند دقیق بگوید کجاست، چه کسی آن را تعیین می‌کند و چه زمانی تغییر می‌کند. همین پرسش، محور نشست تخصصی «خط قرمز» شد که روز گذشته با حضور محمد عطریان‌فر، مدیر رسانه و روزنامه‌نگار، احمد

زیدآبادی، روزنامه‌نگار و تحلیلگر و علیرضا معزی، مدیر رسانه و روزنامه‌نگار در دفتر توسعه آموزش رسانه برگزار شد؛ نشستی برای پاسخ به یک پرسش قدیمی اما همچنان بی‌پاسخ: خط قرمز در مطبوعات کجاست و چه کسی یا نهادی آن را تعیین می‌کند؟ در ابتدای نشست محمد عطریان‌فر از تجربه خود گفت که روزنامه‌نگاری را از سال ۱۳۶۱ و به دعوت محمد خاتمی در روزنامه کیهان آغاز کرده است. او در روایت‌اش از آن سال‌ها، مسئله رسانه را در کنار احزاب قرار داد و گفت: «احزاب و رسانه‌ها هم‌زاد

یکدیگرند که در فعالیت‌های اجتماعی و عرصه سیاست و اجتماع به‌صورت نابالغ متولد شدند». به اعتقاد عطریان‌فر در چهار دهه گذشته، بخش قابل‌توجهی از تجربه رسانه‌ای در ایران نه از مسیر آموزش و تعریف روشن قواعد بلکه در میدان عمل شکل گرفته است. او درباره این وضعیت گفت: «درک خطوط قرمز بیشتر بر تجربه روزآمد و خودبه‌خودی استوار بوده است». اما برای عطریان‌فر پیش از آنکه رسانه از حاکمیت بخواد، خطوط قرمز را روشن کند یا جامعه و نهادهای امنیتی و قضایی ملاحظات

رسانه را در نظر بگیرند، خود روزنامه‌نگار نیز مسئولیت‌هایی دارد. او تأکید کرد: «پیش از توقع از حاکمیت، جامعه اخلاقی، امنیتی و قضایی برای مراعات حال رسانه‌ها، خود رسانه باید حقوق دیگران را مراعات کند». عطریان‌فر نقطه شروع این مسئولیت را حقیقت می‌داند: «ما باید نقش خودمان را با مطالب واقع ایفا کنیم نه به دلخواه این و آن». او سپس جمله‌ای را به‌عنوان یکی از اصول بنیادین روزنامه‌نگاری مطرح کرد: «روایت حقیقت، چراغ روشن ماست».

| ادامه در صفحه ۲

یاستور

هشدار پزشک‌یان

رئیس‌جمهور در جمع از بازنشستگان گفت: آمریکا با محدودیت‌هایی که ایجاد کرده، به‌دنبال فروپاشی اجتماعی در ایران است



**گروه سیاسی:** رئیس‌جمهور روز گذشته در نشست با جمعی از بازنشستگان در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، از فشارهایی گفت که به اعتقاد او فراتر از تحریم اقتصادی است و جامعه را هدف گرفته است.

پزشکیان با اشاره به رویکرد آمریکا گفت: «واقعیت این است که آنها قلدری می‌کنند و با مشکلات و محدودیت‌هایی که ایجاد کرده‌اند به‌دنبال فروپاشی اجتماعی هستند». او با بیان اینکه «آمریکا راه‌ها را بسته و به‌دنبال ایجاد اختلاف در کشور است»، تأکید کرد که حفظ همدلی و انسجام می‌تواند، کشور را از این شرایط عبور دهد: «چنانچه در کشور همدلی و هم‌افزایی وجود داشته باشد و بتوانیم وحدت و انسجام را حفظ کنیم هیچگاه در مقابل آمریکا سر خم نخواهیم کرد».

هشدار رئیس‌جمهور درباره تلاش برای ایجاد ناامنی و شکاف اجتماعی در شرایطی مطرح شد که سردار احمدرضا رادان، فرمانده کل انتظامی کشور نیز شامگاه دوشنبه در گفت‌وگوی ویژه خبری بر آمادگی نیروهای امنیتی و نظامی برای مقابله با هرگونه تلاش جهت ایجاد ناامنی تأکید کرد. رادان گفت: «اگر وطن‌فروشی خواست در کشور ناامنی ایجاد کند، او را مثل دشمن خواهیم دید و محکم برخورد خواهیم کرد». او همچنین با اشاره به ظرفیت نیروهای داوطلب افزود: «۳۰ میلیون جانفدا داریم که قبل از اینکه کسی بخواهد، در میدان حاضر می‌شوند». رادان در ادامه تأکید کرد که نیروهای مسلح و بسیج برای مقابله با تهدیدها آمادگی دارند و گفت: «انگشت ما مثل انگشت عزیزان ما در سپاه، ارتش و بسیج روی ماشه است».

در بخش دیگری از این نشست، مسائل معیشتی و رفاهی بازنشستگان مطرح شد؛ از وضعیت بیمه و معوقات گرفته تا دارو و خدمات درمانی. پزشک‌یان با اشاره به درخواست‌های نمایندگان کانون‌های بازنشستگی بر برگزاری جلسات تخصصی با حضور آنها تأکید کرد و گفت، مشکلات و مطالبات بازنشستگان در این جلسات به‌صورت موضوعی بررسی خواهد شد تا برای هر یک راهکاری مشخص ارائه شود.

رئیس‌جمهوری همچنین درباره برنامه‌های حمایتی دولت وعده داد، رقم کالاپرگ افزایش خواهد یافت. او گفت در حوزه بهداشت و درمان بازنشستگان و مسائل معیشتی نیز تصمیمات سازنده‌ای اتخاذ خواهد شد. پزشک‌یان در توضیح برنامه دولت برای کاهش فشارهای ناشی از محدودیت‌های خارجی به تقویت روابط با کشورهای همسایه اشاره کرد و گفت با وجود بسته شدن مسیرهای دریایی از سوی آمریکا، سطح تعامل زمینی ایران با کشورهای دوست و همسایه افزایش یافته است.

در ادامه این نشست احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، با تأکید بر اینکه بخشی از مشکلات امروز کشور، نتیجه قواعد نادرستی است که طی دهه‌های گذشته در حوزه‌های مختلف شکل گرفته است، گفت که دولت چهاردهم به‌جای آنکه صرفاً با راه‌حل‌های کوتاه‌مدت پیامدهای این مشکلات را مدیریت کند، در حال تغییر قواعد سیاستگذاری در حوزه‌هایی مانند انرژی، انضباط مالی و بازنشستگی است تا شیوه دست‌یابی به نتایج نیز تغییر کند. میدری، طرح «زیر تأمین» را یکی از نمونه‌های این تغییر رویکرد عنوان کرد و گفت به‌جای آنکه منابع بازنشستگان صرفاً در اختیار شرکت‌ها قرار گیرد و بخشی از بازدهی آن درگیر هزینه‌های مدیریتی شود، دولت به‌دنبال الگویی است که این منابع را به سمت فعالیت‌های مولد هدایت کند. او همچنین تأکید کرد که دولت می‌تواند با سیاست‌های کوتاه‌مدت، بخشی از مشکلات را کنترل کند اما چنین اقداماتی نباید به افزایش تقدینگی و غفلت از مهار تورم منجر شود و هم‌زمان با اقدامات فوری باید راهکارهای پایه‌دار و قواعد سازنده نیز دنبال شود.

ادامه تیتربیک

بلای خط قرمز

سرفصل‌های خط قرمز

از نگاه او، مفهوم خط قرمز را می‌توان در سه سرفصل تبیین کرد: حریم جامعه، حقوق فردی و حریم قانون. او این تقسیم‌بندی را اینگونه توضیح داد: «مفهوم خط قرمز را می‌توان در سه سرفصل تبیین کرد؛ حریم جامعه، حقوق فردی و حریم قانون». در حوزه نخست، رسانه نمی‌تواند نسبت به عرف و اخلاق جامعه بی‌تفاوت باشد. در حوزه دوم، مسئله حرمت انسان قرار می‌گیرد. عطریان‌فر تأکید کرد: «مردم حرمت دارند. زن و مرد. هر کس واجد عزت‌نفس است» و برای توضیح اهمیت این مسئله افزود: «در ادبیات دینی ما حرمت انسان از حرمت کعبه بالاتر است». او در ادامه بدون نام بردن از رسانه‌ای خاص از عملکرد رسانه‌هایی انتقاد کرد که مرزهای اخلاقی را رعایت نمی‌کنند و افزود: «یکی از رسانه‌های پرماجرا بدون رعایت حرمت فردی هر شخص را در هر لباس و شرایطی مورد حرمت‌شکنی قرار می‌دهد».

اما بخش مهم دیگری از سخنان عطریان‌فر به رابطه تاریخی رسانه و حاکمیت اختصاص داشت. عطریان‌فر با بیان اینکه حتی در تدوین قوانین نیز شناخت دقیقی از پیچیدگی‌های کار رسانه وجود نداشته است، گفت: «کسانی که قانون مطبوعات را نوشتند اساساً بویی از وضعیت رسانه و پیش‌های آن نبرده بودند. همچنین کسانی که قانون را نوشتند». او معتقد است: «آنچه باعث تاب‌آوری ما در رسانه شده است، محصول تلاش خود روزنامه‌نگاران بوده نه برکت حکومت. یا دولت‌ها. هیچ نهادی در حکومت از رسانه پشتیبانی نکرده است». او در ادامه، تجربه سیاسی چهار دهه اخیر را نیز به بحث رسانه گره زد و گفت: «جمهوری اسلامی، حکومت ایدئولوژیک نیست، حکومتی مصلحت‌گراست و امروز نیز بنابر مصلحت خودش اقدام می‌کند». عطریان‌فر دوره سازندگی و اصلاحات را دوره‌ای متفاوت در این مسیر دانست: «عصر سازندگی و اصلاحات از سال ۶۸ تا ۸۴ رخ داد و همه ما انتظار داشتیم که مسیر کشور آن باشد اما متأسفانه شکست خورد. حتی استخوان‌های حسن روحانی که مدیر درجه یکی بود را نیز شکستند و اینها ما را به دوره دیگری بردند».

در این روایت، نام سعید مرتضوی نیز به میان آمد. عطریان‌فر گفت: «یکی از کسانی که به این کشور خیانت کرد، قاضی مرتضوی بود که از جاهایی نیز حمایت می‌شد». با این حال، او در نهایت مسئولیت رسانه را تنها در مطالبه‌گری از قدرت خلاصه نکرد؛ بلکه معتقد بود، رسانه باید بتواند قدرتمندان را نیز با استدلال و حقیقت همراه کند. در شرایطی که امروز اخبار از مسیرهای مختلف و بدون امکان کنترل کامل گردش می‌کنند به باور او، مسئله سانسور نیز شکل تازه‌ای پیدا کرده است.

بهار یا خزان مطبوعات؟

احمد زیدآبادی بحث را از زاویه تعریف آزادی و مرز میان آزادی بیان و مسئولیت حرفه‌ای ادامه داد. او درباره تجربه تاریخی مطبوعات ایران گفت: «بهار مطبوعات بیشتر خزان مطبوعات بود». از نگاه زیدآبادی اینکه هنوز پس از چند دهه باید درباره خط قرمز و خودسانسوری بحث کنیم، خود نشانه‌ای از یک مشکل بنیادی‌تر است: «پرسش درباره خط قرمز و خودسانسوری، نشان‌دهنده عقب‌ماندگی مفهومی در جامعه ایران است و باید مبانی معرفت‌شناسانه آن یکبار برای همیشه تعریف شود». اما در تعریف آزادی، زیدآبادی موضعی متفاوت با فراتنی دارد که آزادی را فقط برای سخنان درست یا پخته می‌خواهد. به گفته او: «همه سخنان باید امکان طرح داشته باشد».

زیدآبادی ادامه داد: «نمی‌توان گفت آزادی باید برای کسی باشد که حرف پخته می‌زند و برای کسی که حرف نپخته می‌زند، آزادی نباید باشد». استدلال او این است که حتی سخن نادرست یا بی‌ربط نیز لزوماً نباید جرم تلقی شود چراکه دولت نمی‌تواند، داور نهایی حقیقت باشد: «آزادی بیان شامل گفتار نادرست، بی‌ربط و بوج نیز می‌شود زیرا تعیین مطابقت سخن با واقع از سوی دولت ممکن نیست». از نگاه زیدآبادی، یکی از مشکلات ساختار سیاسی ایران این است که هر دولت یا جریان سیاسی، دیدگاه خود را حقیقت نهایی فرض کرده است.

او در ادامه به اسپینوزا اشاره کرد و گفت: «آنچه می‌تواند در معرض قضاوت قضایی قرار بگیرد،

عمل است. سخن باید از حوزه جرم خارج شود». با این حال، این به‌معنای حذف مسئولیت اخلاقی و حرفه‌ای رسانه نیست. زیدآبادی برای مواردی همچون تهمت، افترا، افشای اسناد سری، دعوت از کشور خارجی برای حمله و تجزیه‌طلبی، استثنا قائل شد: «تهمت، افشای اسناد سری، دعوت از کشور خارجی برای حمله و تجزیه‌طلبی، خط قرمزهای استثنایی هستند». او در عین حال بر تفکیک خودکنترلی حرفه‌ای از خودسانسوری تأکید کرد: «خودکنترلی و رعایت اخلاق حرفه‌ای با خودسانسوری تفاوت دارد. تعریف این مفاهیم در ایران مخدوش است». به باور او، روزنامه‌نگار حق دارد برای دیده شدن و اثرگذاری تلاش کند اما این تلاش نباید به قیمت کنار گذاشتن اخلاق حرفه‌ای باشد.

جامعه ما دچار خشم است

اما مشکل از نگاه زیدآبادی فقط در داخل رسانه‌ها نیست؛ او معتقد است: «جامعه ما دچار خشم است. دچار سرخوردگی عمومی شده است». او می‌گوید: «افکار عمومی تند شده است و حرف معقول را نمی‌پذیرد». در چنین شرایطی، به گفته زیدآبادی، دیگر حتی امکان ایفای نقش واسطه‌ای و آرام‌کننده برای برخی چهره‌های رسانه‌ای دشوار شده است: «این روزها دیگر سوپاپ اطمینان وجود ندارد. چون به محض اینکه این تلقی به وجود می‌آید که فلائی سوپاپ اطمینان است، توهین‌ها علیه او سرازیر می‌شود».

از نگاه او، حتی اگر قانون مناسبی نوشته شود، مسئله اصلی نحوه اجرای آن است: «فرض کنیم قانون خوبی هم نوشته شود اما وقتی اجرا نمی‌شود چه فایده؟» و بلافاصله اضافه کرد: «هر کاری نیازمند حسن نیت و اخلاق است. چون قانون مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد». جمع‌بندی زیدآبادی در این بخش روشن بود: «دولت نباید در حوزه مطبوعات دخالت کند».

او در این بخش به رسانه‌های خارج از کشور نیز پرداخت و گفت: «من به آنچه در ایران اینترنت‌شنال گفته می‌شود، اصلاً اعتقادی ندارم. به اسم مردم حرف می‌زند ولی معلوم نیست که این حرف مردم است یا جای دیگری». زیدآبادی همچنین درباره دوگانه رسانه‌های داخلی و خارجی گفت: «صداسیما دستگاه تولید جهل است. در مقابل او هم ایران اینترنت‌شنال است که آن هم دروغ می‌گوید و پروژه سیاسی است و مشخص است به کجا وصل است». با این حال تأکید کرد که جامعه ایران را نباید صرفاً از خلال فضای تند رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی شناخت: «مردم عادی اصلاً نمی‌خواهند کشور به‌هم بریزد».

رسانه به‌عنوان زیرساخت امنیت ملی

علیرضا معزی، بحث را از نقطه‌ای دیگر به مسئله امنیت پیوند زد. برای او، مسئله اصلی این است که امنیت ملی نباید در برابر رسانه تعریف شود بلکه رسانه بخشی از زیرساخت امنیت است. معزی معتقد است: «رسانه‌ها موضوع امنیت ملی نیستند. زیرساخت امنیت ملی هستند». او در این رابطه تأکید کرد: «وقتی رسانه دچار ترس و رعب شود، امنیت ملی هم آسیب می‌بیند».

مشکل اصلی از نگاه معزی، وجود خطوط قرمزی است که نه مرجع مشخصی دارند و نه زمان و دلیل آنها برای رسانه روشن است: «یک خطوط قرمزی در مطبوعات وجود دارد که ما دلایلش را نمی‌دانیم چیست. از سال‌ها قبل بوده هنوز هم هست. هیچ‌وقت هم معلوم نمی‌شود برای چی بوده و هنوز هست». او میان قانون مشخص و خطوط قرمز شناور تفکیک قائل شد: «قانون مطبوعات تعریف شده است و همه مکلف به رعایت آن هستند اما خطوط قرمزی



شناور وجود دارد که در شرایط خاص و بحرانی زیر عنوان کلی‌تر «امنیت» و «امنیت ملی» شکل می‌گیرد. هر موضوعی که با امنیت ملی متعارض تلقی شود، خط قرمز محسوب می‌شود». اما به باور معزی پرسش اساسی برای رسانه این است که «چه مرجعی، تا چه زمانی، با چه دلیلی و با چه ریسکی موضوعی را در چارچوب امنیت ملی تعریف و به رسانه ابلاغ می‌کند». او معتقد است: «اگر این چارچوب قابل پیش‌بینی، مدون، مستند و زمان‌دار نباشد، امنیت شغلی و حرفه‌ای رسانه مختل می‌شود، ترس گسترش می‌یابد و پدیده‌ای به‌نام خودسانسوری بی‌منطق برآمده از ترس شکل می‌گیرد». معزی البته مسئولیت رسانه را انکار نمی‌کند: «رسانه مسئول در قبال اطلاعات، امنیت ملی و امنیت جامعه مسئولیت دارد اما اگر توجیه نشود، کاری را انجام می‌دهد که دلیل آن را نمی‌داند». پیامد چنین وضعیتی، از نگاه او، مستقیماً به سرمایه اصلی رسانه ضربه می‌زند: «رسانه‌ای که دچار خودسانسوری می‌شود، مرجعیت را از دست می‌دهد و دیگر نه می‌تواند تاب‌آوری اجتماعی را مدیریت کند و نه می‌تواند مرجعیت داشته باشد». معزی شرط بازسازی این مرجعیت را استقلال رسانه دانست: «رسانه زمانی می‌تواند، اعتماد جلب کند که مستقل باشد و مردم بدانند به‌جایی وابسته نیست» و تأکید کرد: «اعتماد پیش از بحران جلب می‌شود، نه در بحران».

از بنزین آلوده تا سقوط بالگرد

معزی در ادامه به تجربه انتشار گزارشی درباره بنزین آلوده در دولت احمدی‌نژاد اشاره کرد و گفت: «در دوره احمدی‌نژاد مطلبی را منتشر کردیم درباره بنزین آلوده، از ما شکایت شد که اقدام علیه امنیت ملی کرده‌ایم». او سپس پرسید: «من که حقیقت را گفته‌ام مجرم‌م؟ و آن دیگری که بنزین آلوده تولید کرده نه؟». معزی سپس دو نمونه دیگر را به میان کشید: «در کیس سقوط بالگرد آقای رئیسی و هواپیمای اوکراینی ببیند چه رخ داد. رسانه می‌ترسید، بنویسد و دیدید که شایعه در ابتدای آن چه کرد». از نگاه او، در چنین موقعیت‌هایی، خلأ اطلاعاتی خود به مسئله امنیتی تبدیل می‌شود. او تأکید کرد: «رسانه‌ها مسئولیت ملی دارند. رسانه باید پاسخگوی وجدان خودش و مردم باشد».

به گفته معزی، آثار این ترس را امروز می‌توان در رقابت رسانه‌ای نیز دید: «این روزها اثرات ترس از سانسور را می‌بینید و بعد می‌بینید که از آن‌سو رسانه خارجی چگونه عملیات روانی انجام می‌دهد و کشور را دچار عملیات روانی و چالش می‌کند». او در پایان، بحث را به عصر هوش مصنوعی و تغییر بنیادین گردش اطلاعات رساند: «در عصر هوش مصنوعی خطوط قرمز بی‌معناست». معزی معتقد است، نتیجه تداوم خطوط قرمز مبهم، چیزی جز تضعیف جایگاه رسانه نیست: «خطوط قرمز مرجعیت رسانه‌ها را از بین برده است» و در توضیح نقش رسانه در بحران می‌گوید: «رسانه، حسگر این جامعه است. مگر می‌شود در جنگ، حسگر جامعه را خاموش کرد؟»

در این نگاه، فشار بر رسانه صرفاً فشار بر یک روزنامه‌نگار یا یک تحریریه نیست. معزی گفت: «آسیبی که امثال مرتضوی زدند، آسیبی که روزنامه‌نگار نبود. آسیب به امنیت کشور بود. آسیبی که محمدعلی رامین به کوچ مطبوعات زد را نمی‌توان نادیده گرفت. او یکی از کسانی بود که خطوط قرمز شناور را تعیین می‌کرد. این آسیب در نهایت به ایران خواهد رسید».

درنهایت، حرف‌های عطریان‌فر، زیدآبادی و معزی اگرچه از سه زاویه متفاوت مطرح شد اما در یک نقطه به‌هم رسید: خط قرمز مبهم، به‌جای امنیت، ترس ایجاد می‌کند و ترس، مرجعیت رسانه را از بین می‌برد. رسانه‌ای که نتواند در بزنگاه‌ها روایت دقیق و قابل اعتماد ارائه کند، میدان را به شایعه و روایت‌های دیگر واگذار می‌کند. البته در کنار مسئولیت حاکمیت برای روشن و قابل پیش‌بینی کردن این مرزها، رسانه و روزنامه‌نگار نیز مسئولیت حرفه‌ای خود را دارند: رعایت حقیقت، حقوق افراد و اخلاق حرفه‌ای، بخشی از همین مسئولیت است. در مجموع، مسئله فقط این نیست که خط قرمز کجاست؛ مهم‌تر این است که چه کسی، با چه معیاری و تا کجا آن را تعیین می‌کند. اگر این مرز روشن نباشد، رسانه به‌جای روایت واقعیت مدام نگران عبور از خطی است که حتی جای آن را نمی‌داند.

# توافق عمان در کما

## نقش عربستان در تعویق نشست وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس و توافق عمان چه بود؟

**گروه بین‌الملل:** تعویق لحظه آخری نشست وزیران منطقه‌ای که قرار بود ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۶ در صلاله عمان برگزار شود، عمق شکاف‌های دیپلماتیک و اصطکاک‌های ژئوپلیتیکی بر سر کشتیرانی در تنگه هرمز را آشکار می‌کند. این نشست حساس به میزبانی بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان، قرار بود نمایندگان ۸ کشور حاشیه خلیج فارس شامل ایران، عراق، عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، قطر، کویت و عمان را گرد هم آورد تا توافق پیشنهادی میان مسقط و تهران درباره ایجاد یک مسیر جدید کشتیرانی را بررسی کنند. وزارت امور خارجه عمان در توضیح رسمی خود، این تصمیم را ضرورتی برای فراهم کردن شرایط مناسب جهت گفت‌وگویی سازنده عنوان کرد که بتواند به تفاهم‌های پایدار در حمایت از امنیت منطقه‌ای منجر شود. با این حال بررسی تحرکات دیپلماتیک پیش از این نشست نشان می‌دهد که لغو آن در نتیجه مخالفت شدید منطقه‌ای، تحریم یک‌جانبه نشست از سوی برخی کشورها و اختلافات اساسی بر سر حاکمیت دریایی صورت گرفت.

یکی از عوامل اصلی فروپاشی روند دیپلماتیک، مخالفت صریح برخی اعضای کلیدی شورای همکاری خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی و بحرین بود. باراک راوید، خبرنگار اکسیوس ادعا کرد: یک مقام خلیج فارس به من گفت که عربستان سعودی، اصلاحاتی را در

پیشنهاد عمان و ایران درباره تنگه هرمز ارائه کرده است؛ زیرا ریاض نگرانی‌هایی داشت مبنی بر اینکه متن پیشنهادی می‌تواند عملاً به ایجاد یک وضعیت موجود جدید در تنگه هرمز منجر شود که برای عربستان یا دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قابل قبول نباشد.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، به‌صراحت اعلام کرد که لغو نشست به درخواست عربستان سعودی انجام شد؛ پس از آنکه ریاض تصمیم گرفت با چارچوب فعلی در این نشست شرکت نکند. پیش از مداخله عربستان، وزارت امور خارجه بحرین نیز به‌طور علنی اعلام کرده بود که تا زمان احیای کامل روابط دیپلماتیک میان منامه و تهران در هیچ گفت‌وگویی جمعی وزیران با حضور ایران شرکت نخواهد کرد. بحرین تشدید اخیر فعالیت‌های نظامی مورد حمایت ایران و تهدیدهای امنیتی در منطقه را از دلایل اصلی عدم مشارکت خود عنوان کرد؛ موضوعی که بلافاصله شکافی جدی در اجماع لازم برای برگزاری نشست ایجاد کرد.

فراتر از نبود روابط دیپلماتیک، اختلافات بنیادین بر سر محتوای چارچوب پیشنهادی کشتیرانی نیز اصطکاک‌های ایجاد کرد که عبور از آن دشوار بود. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، تأیید کرده بود که تنها دستورکار نشست صلاله، ارائه توافقی دوجانبه و تقریباً نهایی

### انرژی هسته‌ای

## جلوگیری از سفر!

### رئیس سازمان انرژی اتمی ایران از سفر به سازمان ملل بازماند



گروه بین‌الملل

محمد اسلامی، معاون رئیس‌جمهور ایران و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، این بار نتوانست خود را به مهم‌ترین نشست سالانه نهاد ناظر هسته‌ای سازمان ملل برساند. تصمیم برای جلوگیری از حضور او در هفتادمین کنفرانس عمومی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین، تنها یک محدودیت معمول برای سفر یک مقام تحریم‌شده نیست؛ بلکه نشانه‌ای از ورود فشارهای سیاسی علیه ایران به مرحله‌ای تازه است؛ مرحله‌ای که در آن حتی تریبون‌های چندجانبه نیز به میدان کشمکش تهران و واشنگتن تبدیل شده‌اند. اسلامی که در فهرست تحریم‌ها قرار دارد و مشمول ممنوعیت سفر سازمان ملل متحد است پیش از این با دریافت معافیت‌های تحریمی توانسته بود در چنین نشست‌هایی شرکت کند. اما این بار شرایط متفاوت بود. فشار دولت آمریکا باعث شد، شورای امنیت سازمان ملل متحد، در شرایطی که اجماع لازم برای صدور معافیت وجود نداشت با درخواست اتریش برای فراهم کردن امکان سفر اسلامی موافقت نکند. نتیجه آن شد که رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و هیأت همراهش ناچار شدند در میانه مسیر بازگردند و به تهران برگردند. به این ترتیب اسلامی نتوانست در مراسم افتتاحیه کنفرانس سالانه آژانس حاضر شود و سخنرانی کند؛ اتفاقی که برای تهران تنها از دست دادن یک سخنرانی نیست بلکه محروم شدن عالی‌ترین مقام هسته‌ای جمهوری اسلامی از حضور مستقیم در یکی از مهم‌ترین مجامع دیپلماتیک هسته‌ای جهان است.

### فشار واشنگتن

موضع آمریکا درباره این تصمیم نیز صریح بود. کریس رایت، وزیر انرژی ایالات متحده، درباره جلوگیری از حضور اسلامی گفت او فردی تحریم‌شده است و واشنگتن نمی‌خواهد، کسی از تحریم‌ها فرار کند. به گفته رایت، اسلامی درخواست معافیت کرده بود اما این درخواست رد شد. نماینده آمریکا در آژانس نیز صراحتاً اعلام کرد که واشنگتن با اعطای معافیت به رئیس سازمان انرژی اتمی ایران مخالفت کرده است. بنابراین برای تهران تردیدی باقی نمانده که تصمیم نهایی برای جلوگیری از سفر اسلامی، دست‌کم در نگاه ایران، نتیجه مستقیم فشار آمریکا بوده است. رایت هم‌زمان با دفاع از این تصمیم، موضع سخت واشنگتن درباره برنامه هسته‌ای ایران را تکرار کرد و گفت برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی «به هر طریقی» پایان خواهد یافت. او مدعی شد، آمریکا مذاکره را ترجیح می‌دهد

اما اجازه نخواهد داد، ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. این اظهارات نشان می‌دهد که ماجرای اسلامی را نمی‌توان از پرونده گسترده‌تر هسته‌ای ایران جدا کرد. واشنگتن از یک‌سو بر مذاکره تأکید می‌کند و از سوی دیگر تلاش دارد دامنه فشارهای سیاسی، حقوقی و دیپلماتیک علیه تهران را افزایش دهد.

### تهران خشمگین است

در تهران اما روایت کاملاً متفاوت است. ایران معتقد است، اتریش تحت‌فشار آمریکا مانع ورود اسلامی به وین شده است. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، این موضوع را تأیید کرد و گفت، آمریکا اتریش را برای انجام این اقدام تحت‌فشار قرار داده است.



رضا نجفی، سفیر ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین نیز پس از اظهارات وزیر انرژی آمریکا، این اقدام را «کارشکنی» خواند و اتریش را به نقض تعهدات خود به‌عنوان کشور میزبان سازمان‌های بین‌المللی متهم کرد. نجفی با انتقاد از استاد اتریش به قطعنامه‌هایی که از نگاه تهران خاتمه یافته‌اند، خواستار رفع فوری آنچه «نقض تعهد» خواند شد و از وین تضمین خواست که چنین اتفاقی تکرار نشود. ایران همچنین کاردار اتریش در تهران را احضار کرد؛ اقدامی که نشان می‌دهد، ماجرای جلوگیری از حضور اسلامی از نگاه تهران به یک اختلاف دیپلماتیک جدی با کشور میزبان تبدیل شده است.

### یک غیبت معنادار

هفتادمین کنفرانس عمومی آژانس روز دوشنبه ۱۴ سپتامبر در مرکز بین‌المللی وین آغاز شد و تا ۱۸ سپتامبر ادامه خواهد داشت. نمایندگان ۱۸۱ کشور عضو در این نشست درباره مسائل مربوط به انرژی هسته‌ای، ایمنی و امنیت هسته‌ای، برنامه‌ها و بودجه آژانس و دیگر موضوعات مرتبط با فعالیت‌های این نهاد گفت‌وگو می‌کنند.

شده میان مسقط و تهران برای ایجاد یک مسیر جدید ترانزیت دریایی است. دیگر پادشاهی‌های عرب خلیج فارس این رویکرد را تلاشی از سوی تهران برای تحمیل یک‌جانبه شرایط خود بر تنگه هرمز، به‌جای ورود به مذاکرات واقعی چندجانبه، تلقی کردند.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با تأکید بر مواضع مطرح شده در بیانیه‌های کابینه بحرین، اعلام کردند که کشتیرانی در تنگه هرمز باید به‌طور کامل مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاهای انجام شود و تحت نظارت سازمان بین‌المللی دریانوردی باقی بماند. پایتخت‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌شدت هرگونه ترتیبی را رد کردند که براساس آن عبور از این ابراه راهبردی منوط به دریافت مجوز از ایران، پرداخت هزینه‌های تنظیمی برای عبور یا برخورداری از دسترسی تبعیض‌آمیز شود؛ پیشنهادهایی که تهران در هفته‌های گذشته مطرح کرده بود.

فضای امنیتی گسترده‌تر منطقه نیز به افزایش بی‌اعتمادی میان کشورهای دعوت شده، دامن زد. تنش‌ها در سراسر خاورمیانه پس از درگیری‌های نظامی میان آمریکا، اسرائیل و ایران همچنان بالاست

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، در سخنرانی افتتاحیه گفت وضعیت نظارت ایسن نهاد بر برنامه هسته‌ای ایران در سال ۲۰۲۶ «وخیم‌تر شده است». او بار دیگر از تهران خواست برای شفاف‌سازی مسائل باقی‌مانده با آژانس همکاری کند. هم‌زمانی این سخنران با غیبت رئیس سازمان انرژی اتمی ایران، معنای سیاسی بیشتری به این کنفرانس داده است. تهران درحالی با نگرانی‌های فنی و نظارتی آژانس روبه‌روست که عالی‌ترین مقام مسئول پرونده هسته‌ای این کشور امکان حضور در نشست را پیدا نکرده است.

### پرونده‌ای که سخت‌تر می‌شود

جلوگیری از ورود اسلامی در خلأ اتفاق نیفتاده است. شورای حکام آژانس در روزهای گذشته، قطعنامه‌ای علیه ایران تصویب کرده و پیش از آن نیز آژانس درباره افزایش ذخایر اورانیوم با غنای بالا، آثار اورانیوم کشف شده در سایت‌های اعلام نشده و محدودیت‌های ایجاد شده برای فعالیت بازرسان و تجهیزات نظارتی ابراز نگرانی کرده بود. به همین دلیل ممانعت از سفر اسلامی را می‌توان، بخشی از زنجیره فشاری دانست که هم‌زمان در چند سطح دنبال می‌شود. در یک سطح، فشار فنی و نظارتی آژانس افزایش یافته است؛ در سطح دیگر، شورای حکام موضع سخت‌تری علیه تهران گرفته و حالا در سطح دیپلماتیک حتی امکان حضور مقام ارشد هسته‌ای ایران در نشست سالانه آژانس نیز محدود شده است. برای تهران این هم‌زمانی نشانه‌ای از سیاسی شدن پرونده هسته‌ای است. مقام‌های ایرانی معتقدند سازوکارهای فنی آژانس نباید به ابزاری برای اعمال فشار ژئوپلیتیکی تبدیل شود و چنین روندی در نهایت اعتبار و بی‌طرفی این نهاد را تضعیف می‌کند.

### شکاف عمیق‌تر

ماجرای اسلامی در نهایت یک پیام بزرگ‌تر دارد: اختلاف تهران و غرب بر سر برنامه هسته‌ای ایران از سطح پرونده فنی و تحریم‌های اقتصادی به حوزه نمایندگی و حضور دیپلماتیک نیز کشیده شده است. اگرچه غیبت یک مقام به تنهایی نمی‌تواند مسیر پرونده هسته‌ای ایران را تعیین کند اما در شرایطی که اعتماد میان تهران و آژانس به‌شدت کاهش یافته چنین اقداماتی می‌تواند، فاصله دو طرف را بیشتر کند. از نگاه ایران، جلوگیری از حضور اسلامی نشانه فشار سیاسی است؛ از نگاه آمریکا، اجرای سختگیرانه تحریم‌ها و جلوگیری از دور زدن محدودیت‌هاست. در این میان خطر اصلی آن است که هر اقدام تازه به‌جای باز کردن مسیر گفت‌وگو به حلقه دیگری از فشار و واکنش تبدیل شود. در چنین شرایطی، کنفرانس عمومی آژانس که قرار است، محل گفت‌وگو درباره مسائل هسته‌ای باشد خود به صحنه‌ای از رویارویی سیاسی تبدیل شده است. اسلامی در وین حضور ندارد اما غیبت او بیش از هر سخنرانی دیگری، وضعیت روابط ایران و آژانس را به تصویر می‌کشد: پرونده‌ای که زمانی قرار بود در چارچوب فنی و نظارتی مدیریت شود اکنون بیش از هر زمان دیگری درگیر منازعه سیاسی، فشارهای بین‌المللی و رقابت ژئوپلیتیکی شده است.



و هم‌زمان درگیری‌ها میان عربستان سعودی و حوثی‌ها در یمن ادامه دارد. حملات علیه زیرساخت‌های حیاتی، ازجمله حملات پهپادی اخیر که به توقف موقت فعالیت خط لوله حجاز شرق-غرب عربستان سعودی منجر شد، در کنار حملات گذشته علیه اهدافی در بحرین تمایل کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس برای به‌رسمیت شناختن کنترل دریایی ایران را بدون دریافت تضمین‌های امنیتی اولیه کاهش داده است. تصمیم عمان برای به تعویق انداختن نشست نشان می‌دهد که نقش سنتی این کشور به‌عنوان میانجی بی‌طرف منطقه‌ای زمانی که بازیگران اصلی چارچوب مذاکرات را ذاتاً نامتوازن می‌دانند با محدودیت‌هایی روبه‌رو می‌شود. بدون دسترسی‌ای به اجماع میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس، برگزاری نشست صلاله می‌توانست، شکاف‌های عمیق‌تری را در منطقه آشکار کند. مسقط با توقف این نشست، جایگاه دیپلماتیک خود را حفظ کرد و در عین حال فرصت بیشتری برای رایزنی‌های دوجانبه فراهم آورد تا نگرانی‌های مطرح شده از سوی عربستان سعودی، بحرین و متحندان آنها درباره مسائل روبه‌ای و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

#### هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

#### آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برای‌رای شماره ۲۲۷۹-۱۰۰-۲۱۶۰۰۱۰۵۶ مورخ ۱۳/۰۳/۱۴۰۵ هیات اول هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بالامعارض متقاضی آقای احمدمحمدرضا مرادی پیرمزدی فرزندمرتضی بشماره شناسنامه ۱۵۵۰ کدملی ۲۳۵۵۰۰۰۰۰ صادره از کرمانشاه منبى برصوبه سندمالکیت نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۱۹.۱۷ مترمربع در پلاک ۱۸۸ اصلی (روستای گنک) واقع در بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک خرمدراری از مالک رسمی آقای احمدم مرتضی مرادی پیرمزدی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراد درنوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شوددر صورتی که اشخاص نسبت به صدور سندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسیدطرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایندبدیهی است در صورت تقاضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت مانع خواهد شد. ۲۸۶۸

محمد عباسی - رئیس ثبت اسناد و املاک  
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۱

#### آگهی اختصاصی موضوع قانون

#### تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و

#### ساختمان های فاقد سند رسمی برابر ماده

#### ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

نسیم تربتی نژادکدملی ۲۱۲۱۷۳۴۵۸۹ متقاضی کلاسه پرونده ۰۰۰۳۲۸۳۰۰۰۱۴۴۱۴۴۱۴۴۰۱۴در ششدانگ یک قطعه زمین که دران احداث بناشده است به مساحت ۱۳۵.۹۵ متر مربع از پلاک شماره ۱۰۸ - اصلی واقع در اراضی باکر محله بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. شناسه آگهی: ۲۲۷۷۳۷۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۶/۲۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۱۱

سید عیسی میر کاظمی  
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان  
از طرف مهناز جهانفر

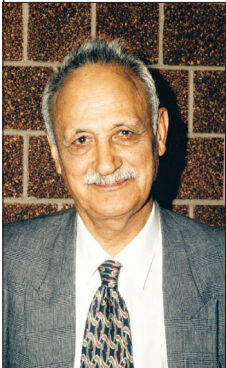
@saazandeginews  
saazandeginews  
www.saazandegi.ir

سازندگ



## سمبل انسانیت و شرافت

عبدالحسین زرین کوب به روایت عبدالرحیم جعفری



۲۴ شهریور، سالروز درگذشت عبدالحسین زرین کوب، تاریخ‌نگار، پژوهش‌گر و نویسنده برجسته ایرانی است؛ به همین مناسبت، خبرآنلاین یادداشت منتشرنشده‌ای از عبدالرحیم جعفری، بنیان‌گذار انتشارات امیرکبیر منتشرکرده که روایتی شخصی از سال‌ها دوستی و همکاری این دو چهره‌ ماندگار فرهنگ ایران ارائه می‌دهد؛ از انتشار نخستین چاپ «دو قرن سکوت» و دیگر آثار او تا روزهایی که پس از مصاحده امیرکبیر، انتشار شماری از کتاب‌های زرین کوب متوقف شد و او در مراسم بزرگ‌داشت خود در سال ۱۳۷۶ به‌صراحت به این وضعیت اعتراض کرد.

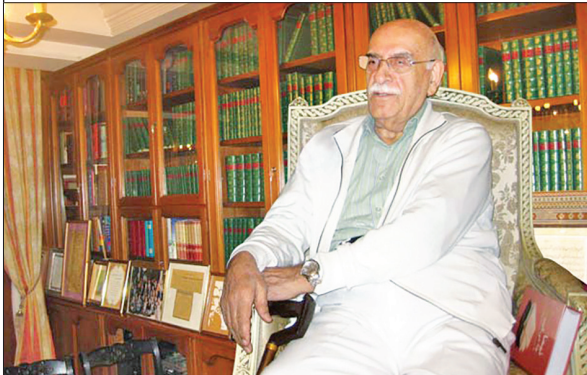
### شروع همکاری با دو قرن سکوت

در بخشی از یادداشت عبدالرحیم جعفری درباره‌ آشنایی با زرین کوب آمده: «هنگامی که به سالیان دور بازمی‌گردم؛ به نخستین روزهایی که کارنشر را به‌طور مستقل در بالاخانه‌ای محقر آغاز کردم و مؤسسه انتشارات امیرکبیر بنا نهاده شد، خاطرات رجال بزرگ و خدمت‌گزاران واقعی فرهنگ این مرزوبوم در نظرم زنده می‌شود. در همان ایام نخستین بود که با بزرگانی چون روان‌شاد مرتضی کیوان و فضل‌الله صبحی‌مهندی آشنا شدم و سرآغاز ارادت و همراهی من با یکی از برجسته‌ترین و بی‌بدیل‌ترین چهره‌های علمی و ادبی ایران‌زمین، استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب، رقم خورد. نخستین کتابی که از دکتر زرین کوب به زیور طبع آراستم، چاپ اول کتاب معروف «دو قرن سکوت» بود. در آن روزگار، کتاب در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه منتشر شد و چند سال طول کشید تا همان یک‌هزار جلد به فروش برسد. پس از آن، در قالب مجموعه کتاب‌هایی با عنوان «گنجینه گاهانه» که آثار مترجمان گوناگون را منتشر می‌کردیم، دو اثر ترجمه‌ای ارزشمند از ایشان با عناوین «ادبیات فرانسه در قرون وسطی» و «ادبیات فرانسه در دورهٔ رنسانس» را به چاپ رساندم. دکتر زرین کوب در آن سال‌ها (از حدود سال ۱۳۳۴) ضمن تدریس در دانشگاه، با «بنگاه ترجمه و نشر کتاب» نیز همکاری داشتند و در کنار دکتر احسان یارشاطر از مشاوران زبده آن مجموعه بودند؛ همان ایامی که ترجمه گران‌سنگ «فن شعری» (پوئیتیکا) ارسطو را عرضه کردند که از کتاب‌های فوق‌العاده معتبر و معروف آن عصر شد». جعفری دربارهٔ شخصیت و منش زرین کوب نوشته: «در رفتار و منش شخصی، استاد زرین کوب انسانی فوق‌العاده محجوب، سربه‌زیر، کم‌رو و بی‌نهایت بزرگوار بود. در مسائل مالی و حق‌التألیف هرگز سخت‌گیری نمی‌کرد و تعیین آن را تماماً به خود ناشر واگذار می‌ساخت. اما در کار پژوهش و نگارش، وسواس و دقتی حیرت‌انگیز داشت. در روزگاری که چاپ فرم‌های کتاب فرآیندی پیچیده داشت، ایشان نمونه‌های چاپی را نه یک‌بار، بلکه برای بار دوم، سوم و چهارم با دقت اصلاح و غلط‌گیری می‌کرد و مطالب را تغییر می‌داد؛ تا آن‌جا که گاه میان ما درگیری‌های دوستانه‌ای بر سر تعجیل در کار پیش می‌آمد، اما این همه، ناشی از تعهد بی‌حد او به دقت علمی بود. در میان آثار فراوان استاد، کتاب «پله‌پله تا ملاقات خدا» جایگاهی سرآمد دارد؛ اثری که گرچه توفیق چاپ آن در امیرکبیر نصیب من نشد و بعدها انتشار یافت، اما همان‌طور که در خاطراتم نوشته‌ام، عقیده دارم دری از درهای بهشت را به روی خوانندگان خود می‌گشاید».

### دفاع شجاعانه

بنیان‌گذار انتشارات امیرکبیر با اشاره به دفاع دکتر زرین کوب از او در مقطعی که امیرکبیر مصادره شد، می‌نویسد: «دکتر زرین کوب با وجود آن‌همه وقار و حیا، لطف و محبت خود را هرگز از من دریغ نداشت. در هر محفل و مجلسی که حاضر می‌شد، از من و ستمی که بر انتشارات امیرکبیر رفته بود، یاد می‌کرد و با شجاعت به توقیف کتاب‌هایش اعتراض می‌نمود. اوج این حق‌طلبی در سال ۱۳۷۶ در مراسم بزرگ‌داشتی بود که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برای ایشان برگزار کرد. استاد پشت تریبون رفت و آشکارا فرمود: «برای من در این‌جا بزرگ‌داشت می‌گیرید، اما کتاب‌های مرا چاپ نمی‌کنید!» ایشان با تلخی اشاره کرد که ۱۴ جلد از کتاب‌های پرچم و بنیادی‌اش که روزگاری توسط جعفری در امیرکبیر چاپ می‌شد، اکنون به اسارت آن مؤسسه درآمده و منتشر نمی‌شود؛ آن‌هم در روزگاری که برنامه‌ای تلویزیونی به‌نام «هویت» به چهره‌های درخشان ادبی و مفاخر فرهنگی کشور تاخت‌وتاز می‌کرد».

عبدالرحیم جعفری در پایان با گرمی‌داشت یاد دکتر زرین کوب نوشته: «امروز، من در کنج عزلت و خانه‌نشینی خود، وقتی به عکس استاد زرین کوب که بر رف کتاب‌خانه‌ام جای گرفته نگاه می‌کنم، یاد خاطرات آن سالیان و افتخار همکاری با این دانشمند فرزانه را زنده می‌دارم. وجود پرمهر او به‌واقع «سمبل انسانیت، شرافت، و مظهر محبت و صفات عالی انسانی» بود. روانش شاد و یادش تا ابد گرمی‌یاد».



# از نسل رویاپردازان

گزارش شب مجید درخشانی

بزرگ‌داشت مجید درخشانی، آهنگ‌ساز و نوازنده برجسته تار و سه‌تار، در نهم‌دو‌هفتادوسمین شب بخارا و به همت علی‌دهباشی عصر جمعه ۲۰ شهریور در سالن خلیج فارس فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار شد؛ شبی که به مناسب تولد این هنرمند رقم خورد و جمعی از چهره‌های نام‌آشنای فرهنگ و هنر ایران چون محمدرضا شفیعی‌کدکنی، حسین علیزاده، حسام‌الدین سراج، وحید تاج، نصرالله مدقالچی، بهرام دبیری و... را گردهم آورد. شب بزرگ‌داشت مجید درخشانی، تنها مراسمی برای مرور کارنامه یک آهنگ‌ساز و نوازنده نبود؛ شبی بود برای یادآوری اهمیت قدردانی از هنرمندان در زمان حیات و تجلیل از نسلی که بخشی از حافظه هنر و موسیقی ایران را ساخته‌اند. مجید درخشانی یکی از چهره‌های شاخص، نوآور و تأثیرگذار موسیقی ایرانی، متولد ۲۲ شهریور ۱۳۳۶ در سنگسر سمنان است. از جوانی با حضور در محضر استادان بزرگی چون محمدرضا لطفی و هوشنگ ظریف در کانون چاووش به مشق موسیقی پرداخت و اواخر دههٔ شصت برای ادامه تحصیل و فعالیت‌های هنری به آلمان مهاجرت کرد. او در اروپا علاوه بر تشکیل گروه‌های موسیقی و تدریس، با دانشگاه‌ها و نهادهای هنری معتبر همکاری داشت و با اجرای کنسرت‌های متعدد، موسیقی ایرانی را به مخاطبان جهانی معرفی کرد. این آهنگ‌ساز پیش‌کسوت در دهه‌های اخیر علاوه بر همکاری با استاد محمدرضا شجریان، به آموزش نسل جوان، تحقیق و پژوهش در موسیقی ایرانی و بازخوانی و بازنشر آثار ارزشمند پرداخته است.

### درخشانی در عصر رویاپردازان

بهرام دبیری در مراسم بزرگ‌داشت مجید درخشانی با روایتی از دوران شکوفایی هنر و ادبیات در دانشکده هنرهای زیبا گفت: «اواخر دهه ۴۰ و اوایل دهه ۵۰، فضای دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شاهد تغییر ساختار آموزشی، دگرگونی‌های بنیادین

و شکل‌گیری یک فضای فکری پرشور و هیجان‌انگیز بود. در همان حال که ما در تهران بودیم، جهان نیز در تکاپوی تغییری بزرگ بود؛ جریان شگفتی به‌نام «وودستاک» نگاه دنیا را به خود جلب کرده بود. در ادبیات و مناسبات اجتماعی، بهترین کارهای لئونارد کوهن و جون بائر شنیده می‌شد. بر پرده سینماها، دوران شکوفایی سینمای ایتالیا را می‌دیدیم؛ فیلم‌های پازولینی و فلینی را بدون سانسور و روی پرده‌های بزرگ تماشا می‌کردیم. تظاهرات دانشجویی فرانسه در جریان بود و پیکاسو هنوز در آتلیه‌اش در پاریس کار می‌کرد. در همان سال‌ها، رمان «صد سال تنهایی» چاپ شد و همه ما با خواندنش، با فهم تازه‌ای از رمان، جادو و تخیل آشنا شدیم. در دانشکده هنرهای زیبای ما، اساتید بزرگی در موسیقی، نقاشی، تئاتر و گرافیک حضور داشتند؛ کارگاه‌هایی که متأسفانه بعدها از بین رفتند. چه دوران درخشانی بود؛ دورانی که سوسن تسلیمی پرشور و شیطان، دانشجوی تئاتر بود؛ مرتضی ممیز، هانیبال الخاص، مارکو گریگوریان، بهجت صدر و هرمز



### گزارش: سینیمای مستمند

## نسخه زندگی

درباره مستند «تب آینه» پرتره پدر داروسازی ایران

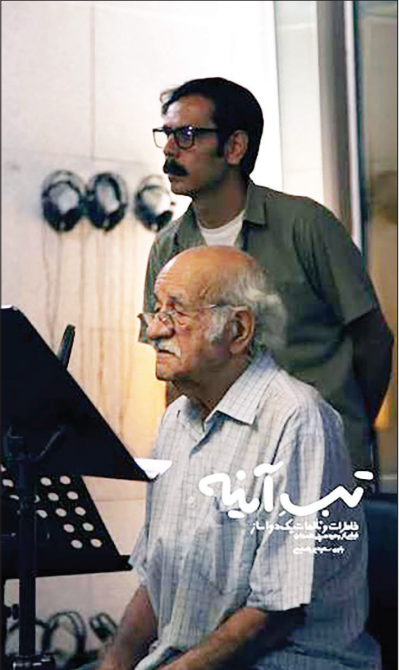


فرزانه متین

روزنامه‌نگار

گاهی برخی از مستندها، با اینکه صرفاً بر محور زندگی‌نامه فردی مهم و تأثیرگذار در جامعه شکل گرفته‌اند، اما در نهایت منجر به تلاقی تاریخ و حافظه می‌شوند. مستند «تب آینه (خاطرات و تألمات یک دواساز)» بر زندگی پدر داروسازی ایران تمرکز دارد، اما ما را به دل تاریخ معاصر و جریان‌های آن می‌برد.

«تب آینه» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی وحید حسینی، مستندی ۱۰۸ دقیقه‌ای است که سعید پورصمیمی راوی آن است و از زبان دکتر غلامعلی عبیدی با ما صحبت می‌کند و تصویری جذاب را جلوی چشمان‌مان قرار می‌دهد؛ مردی که ۸۴ سال عمر کرد و بیش از ۵۰ سال از گذران عمرش را صرف رشته مورد علاقه‌اش، یعنی داروسازی کرد. داستان «تب آینه» بازه زمانی تولد تا مرگ وی را دربرمی‌گیرد. غلامعلی عبیدی مردی سختکوش، باپشتکار و بلندپرواز بود. برای او همه‌چیز اولویت داشت، غیر از توجیه اقتصادی؛ برای همین چندباری زمین خورد، اما با این حال، به قول خودش، فردی که پشتکار داشته باشد به همه‌جا می‌رسد تا فردی که باهوش است. از این‌رو، پشتکار را جزو جدانشدنی شخصیت وی می‌داند. غلامعلی عبیدی اصالتاً تهرانی بود و در گذر باغ ایلچی در خیابان مولوی متولد شد. او بعد از دیپلم به سراغ رشته دواسازی رفت و تقریباً در دومین دوره محصلان این رشته جای گرفته بود. آنچه عبیدی را برخلاف سایر داروسازان آن دوره متأثر می‌کرد، کمبود دارو بود. تنها داروهای خارجی وجود داشتند؛ آن‌هم در اوج کشمکش



تب آینه

فرهت حضور داشتند؛ دورانی که با نام «رویاپردازان» شناخته شد. تئاتر شهر پرکار بود و نمایش‌هایی چون «شهر قصه» و دیگر کارهای مهم روی صحنه می‌رفت. دکتر میرفندرسکی رئیس دانشکده و پری پرکشلی معلم موسیقی بودند. وقتی از پله‌های ساختمان دانشکده هنرهای زیبا به سمت آتلیه‌ها می‌رفتیم، صدای تمرین‌ها و ساز زدن محمدرضا لطفی و حسین علیزاده را تمام روز می‌شنیدیم. روین پاکباز معلم تاریخ هنر ما بود. در سینماها، فیلم‌های ناصر تقوایی و بهرام بیضایی را می‌دیدیم و فیلم «گاو» مهرجویی یک اتفاق بود و در همین فضا بود که مجید درخشانی عزیز و دیگر دوستان هنرمندی که از کردستان و شهرهای دیگر به تهران آمدند تا صداهای تازه‌ای را در موسیقی ایران بشنویم».

### آرزوی تجیل از هنرمندان در زمان حیات

در ادامه بزرگ‌داشت مجید درخشانی، برنامه گروه موسیقی «خورشید» به سرپرستی و آهنگ‌سازی درخشانی و خوانندگی وحید تاج در صحنه حضور پیدا کرد تا قطعه‌هایی را اجرا کند. درخشانی که این روزها با بیماری و کسالت دست‌وپنجه نرم می‌کند، با بغضی در گلو و اشکی در چشمانش ضمن قدردانی از حضور چهره‌هایی چون محمدرضا شفیعی‌کدکنی گفت: «خواستم پیش از هر چیز، بادی کنم از عزیزانی که در سال‌های گذشته از میان ما رفتند و خاطرات خوبی را برای ما باقی گذاشتند. هر چه داریم، از آموخته‌های هنرمندان پیش‌کسوت است که سرمایه‌های زندگی و کار آینده ما شده‌اند. فقط خواستم این‌چند کلمه را با وجود بیماری، برای ادای دینی که داشتم، بیان کنم. جای هنرمندان خالی است. همیشه این پرسش را در ذهن داشتم که چرا یاد هنرمندان پس از درگذشت‌شان گرمی داشته می‌شود. ای کاش برای همه هنرمندان در زمان زنده بودن‌شان بزرگ‌داشت برگزار شود. جای تأسف است که به‌ندرت بزرگ‌داشتی برای هنرمندان برگزار شده است و تنها نهادی که

شریکانش، یدالله فیروزیان و عباس عبیدی راه انداخت و در مستند نشان داده می‌شود که با تأسیس این لابراتوار و دواخانه، به‌تدریج چرخ‌های داروسازی ایرانی در حال کار کردن است.

حسینی با استفاده از دو منبع، سعی کرده داستان را از قصه‌گویی صرف نجات دهد؛ یکی منابع و اسناد رسمی، نامه‌نگاری‌های وی با وزارت بهداشت و... و از سوی دیگر منابع شفاهی و گفت‌وگو با ویزیتورهای شرکت، افرادی که بعدها برای وی کار می‌کردند و همچنین افرادی که پس از



گزارش: شبکه نمایش خانگی

## ساترا علیه سیما

### افزایش مخاطب برنامه‌های توقیفی در شبکه نمایش خانگی



الهه کاکایی

روزنامه‌نگار

در دنیای رسانه و سرگرمی نیز، تهیه‌کنندگان میلیون‌ها تومان خرج می‌کنند تا نام سریال یا برنامه‌شان بر سر زبان‌ها بیفتد؛ اما در ایران، گاهی نیازی به این هزینه‌های گزاف نیست. کافی است نهادی به‌نام «ساترا» روی یک اثر دست بگذارد، با آن لجبازی کند و مهر «توقیف» بر پیشانی‌اش بکوبد. از همان لحظه، ماشین تبلیغاتی عظیمی به‌صورت رایگان روشن می‌شود و اثری که شاید در حالت عادی مخاطب متوسطی داشت، به تیر یک رسانه‌ها و بحث داغ شبکه‌های اجتماعی تبدیل می‌شود. درواقع تقابل و لجبازی ساترا با شبکه نمایش خانگی و توقیف‌های پیاپی برنامه‌ها، این نهاد نظارتی را ناخواسته به بزرگ‌ترین و مؤثرترین بازوی تبلیغاتی پلتفرم‌ها تبدیل کرده است.



#### تولد یک ناظر با طعم تعارض منافع

بگذارید به گذشته نه‌چندان دور برگردیم: به شهر یورماه سال ۱۳۹۴ زمانی که رئیس وقت سازمان صداوسیما در تصمیمی، نهادی به‌نام «سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی» را که به اختصار «ساترا» نامیده می‌شود، تأسیس کرد. در

سال‌های ابتدایی، این سازمان نقش چندان پررنگی نداشت و بیشتر در سایه قرار داشت، اما از سال ۱۳۹۹ و با رشد چشمگیر پلتفرم‌های پخش اینترنتی و اقبال روزافزون مخاطبان خسته از تلویزیون به سمت آثار شبکه خانگی، ساترا شمشیر را تا حدودی از رو بست. وحید فرمند، قائم‌مقام وقت این نهاد، رسماً اعلام کرد که مجوزهای وزارت ارشاد دیگر اعتباری ندارند و ساترا تنها مرجع صدور مجوز است. این نقطه، آغاز یک مناقشه بزرگ بود. صنعت تصویر و شبکه نمایش خانگی که با سرمایه‌های بخش خصوصی جان گرفته بود، حالا باید زیر تیغ نظارت نهادی می‌رفت که خودش زیرمجموعه بزرگ‌ترین رقیب این پلتفرم‌ها، یعنی صداوسیما بود.

#### کالبدشکافی توقیف‌های هم‌زمان

شهر یورماه امسال نقطه‌عطفی در رفتارهای قهری ساترا بود. در ۱۷ شهریور، انتشار خبر توقف و توقیف برنامه «شفرونی» شوکی به تیم این پروژه و مخاطبان وارد کرد. این برنامه پس از پخش تنها سه قسمت به‌طور ناگهانی از خروجی پلتفرم حذف شد. دلیل ساترا چه بود؟ «نداشتن مجوز انتشار». اما این ادعا بلافاصله با واکنش تند سازندگان مواجه شد. تهیه‌کننده اثر صراحتاً اعلام کرد که برخلاف ادعای ساترا، «شفرونی» هم مجوز تولید داشته و هم ۱۲ قسمت از آن در ساترا بازمینی شده و برگه‌های اصلاحیه پخش را دریافت کرده است. توقیف «شفرونی» یک اتفاق مجزا یا یک استثنا نیست. اگر نگاهی به کارنامه ساترا ببندیم، تقریباً هیچ اثر پرمخاطبی را نمی‌یابیم که طعم توقیف، سانسور یا دادگاه را نچشیده باشد. در خردادماه، سریال «سووشون» به کارگردانی نرگس آبیار که بزرگ‌ترین پروژه اقتباسی شبکه خانگی محسوب می‌شد، پس از پخش تنها یک قسمت با بیانیه تند ساترا و ورود مدعی‌العموم توقیف شد و ضربه مالی به پلتفرم و مخاطبانی که اشتراک خریده بودند، وارد کرد. پروژه‌های دیگری نظیر «قورباغه»، «زخم کاری»، «سقوط»، «حیران» و «منووع» نیز هر کدام با بهانه‌های مختلفی از مشکلات حقوقی گرفته تا مسائل محتوایی و سرمایه‌گذاری، در این چرخ‌دنده گیر افتادند. اما نتیجه این برخوردها چیست؟ در دنیای امروز، ایجاد محدودیت برای یک محصول فرهنگی، معمولاً نتیجه عکس می‌دهد. وقتی ساترا برنامه‌ای مثل «شفرونی» را توقیف می‌کند، ناخواسته نام آن اثر را در صدر اخبار خبرگزاری‌ها، شبکه‌های اجتماعی و محافل عمومی قرار می‌دهد. مردمی که شاید تا دیروز حتی نام این برنامه‌ها را نشنیده بودند، حالا با کنجکاوی بدنبال پیدا کردن دلیل توقیف و تماشای قسمت‌های پخش‌شده می‌گردند.

#### تلویزیون در حسرت دیده شدن

ریشه این لجبازی‌ها و برخوردهای حذفی را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد: «ارزش مخاطب تلویزیون». این حقیقت، در مصاحبه اخیر سیدعلی صالحی، بازرگر ۵۳ ساله سینما و تلویزیون، به واضح‌ترین شکل ممکن بیان شد. او در یک برنامه اینترنتی پرده از واقعیتی برداشت که مدیران تلویزیون از شنیدن آن فراری‌اند. صالحی گفت: «من در تلویزیون نقش اصلی داشتم، اما اصلاً دیده نشد؛ در حالی‌که در برنامه «کوری» با یک نقش کوچک به‌شدت دیده شدم». این اعتراف ساده، نشان می‌دهد که چرا صداوسیما تا این‌حد روی پلتفرم‌ها حساس است.

#### هزارتوی تنظیم‌گری؛ از آفکام تا ساترا

مدافعان ساترا معمولاً برای توجیه رفتارهای این نهاد، به مدل‌های خارجی نظارت بر تولیدات تصویری مانند «آفکام» (Ofcom) در انگلستان اشاره می‌کنند. آفکام که در سال ۲۰۰۳ تأسیس شد، نهادی است که بر رسانه‌های تلویزیونی، رادیویی و فضای مجازی بریتانیا نظارت دارد. اما تفاوت آن با ساترا در «استقلال» و «شفافیت» است. آفکام در برابر پارلمان پاسخگوست و از تعارض منافع به‌شدت دوری می‌کند؛ یعنی خودش تولیدکننده محتوا نیست که بخواهد رقیبش را حذف کند. آفکام استانداردهای محتوایی را مشخص می‌کند تا از حقوق مخاطب (مثلاً در برابر محتوای مضر برای کودکان یا نقض حریم خصوصی) دفاع کند. نهادهایی چون آفکام کمتر به سانسور محتوای پیشینی می‌پردازند و مقررات برای سرمایه‌گذاران کاملاً روشن و قابل پیش‌بینی است. در ایران اما، فرآیند صدور مجوز و انتشار آثار در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. سازنده نمی‌داند اثری که امروز با اعمال تمام اصلاحیه‌ها جلوی دوربین برده، فردا با یک تلفن یا شکایت ناگهانی به دادگاه کشیده می‌شود یا خیر.

#### نمایش خانگی، حاشیه نیست!

برای تولید یک سریال یا برنامه پر هزینه، سرمایه عظیمی صرف عوامل تولید، بازیگران، تجهیزات و زیرساخت می‌شود. توقیف‌های ناگهانی، تهدید به مسدودسازی و کشاندن هنرمندان به دادگاه، تنها به فرار سرمایه‌گذاران از این صنعت و افزایش ریسک تولید منجر می‌شود. جالب‌تر شاید این باشد که ساترا ناخواسته در نقش بلندگوی تبلیغاتی همان آثاری ظاهر شود که قصد توقیف‌شان را داشت. اگر قرار است رقابتی میان تلویزیون و نمایش خانگی شکل بگیرد، این رقابت باید در میدان کیفیت باشد، نه در راه‌روهای دادگاه و با هرم توقیف!



#### امروز ایرانی بودن را بیش از هر زمان دیگر لمس می‌کنیم

حسین علیزاده، آهنگ‌ساز و نوازنده نیز ضمن خرسندی از برگزاری این مراسم گفت: «امشب دور هم جمع شده‌ایم برای بودن، برای یادآوری پیوند عمیق‌مان با هنر و فرهنگ ایران. این جمع، نمادی از کسانی است که حافظ این تاریخ هستند. موسیقی و هنر ایران در قلب ماست. امروز حس ایرانی بودن را پیش از هر زمان دیگر لمس می‌کنیم؛ نه فقط در جغرافیا، بلکه در کلام و هویت ما که فراتر از این‌هاست. دعوت می‌کنم که امشب را با عشق و امید به یاد بیاوریم؛ همان عشقی که باعث شد درخشانی، با وجود تمام سختی‌ها، مسیرش را ادامه دهد و همان عشقی که باعث شد ما امروز اینجا جمع شویم». علیزاده که آشنایی و دوستی‌اش با مجید درخشانی به سال‌های دور و فعالیت‌های کانون چاووش بازمی‌گردد، با یادآوری خاطرات آن سال‌ها گفت: «در دانشکده هنرهای زیبا دانشجویان تمامی رشته‌های هنری باهم بودند، این هم‌فرازی، تأثیر عمیقی بر سازندگی ذهنی و روحی ما داشت. یاد عزیزان بسیاری به‌خیر؛ از اساتید تاریخ هنر چون میرفردرسی تا دانشجویان تئاتر و موسیقی. دانشکده هنرهای زیبا، مکانی بود که در دنیای هنر و دانشگاه، شاید نظیرش کم پیدا می‌شد آن شور و انرژی سال‌های اول، شاید در ظاهر خاموش شد با طی سال‌های مختلف به موسیقی اهانت شد اما آن هستهٔ مرکزی که شکل گرفته بود، هرگز از بین نرفت. چه اتفاقی

انقلاب در وزارت بهداری مقام گرفتند.

عبیدی سر پردردی داشت و یک‌جا آرام نمی‌گرفت. او در قله‌ک زمینی را خرید که مهندس هوشنگ سیحون در آن مکان، اولین ساختمان با نمای شیشه‌ای را ساخت؛ ساختمانی که به مجهزترین داروسازی و لابراتوار در خاورمیانه تبدیل شد. لابراتور بزرگ داروپخش نه برای رقابت، به‌تدریج جایگزین شرکت عبیدی و شرکا شد. هر زمان که وحید حسینی می‌اندیشید ممکن است مخاطب از روایت داستان عبیدی خسته شود، با صدای دلنشین، گرم و اثری بخش سعید پورصمیمی، نبض مخاطب را در دست می‌گیرد.

بالاخره به دلیل بدهی، شرکت سهامی بُنیِ این ساختمان را خرید و آرزوهای عبیدی با خاک یکسان شد و شرکتش را نیز از دست داد. رضا جواهری و اکبر بختیاری، ویزیتورهایی که بعدها در کارخانه به‌عنوان مدیر تولید مشغول به‌کار شدند، از ناصرخسرو به میدان ۲۴ اسفند (انقلاب) و به یک ساختمان دوطبقه رفتند،

اما بلندپروازی دکتر عبیدی این مکان را تاب نیاورد. در نهایت، زمینی به متراژ ۱۵هزار مترمربع در ۸کیلومتری جاده مخصوص کرج گرفت و شرکت عبیدی امروزی را ساخت و نهال گردویی در وسط حیاط آن کاشت. عبیدی نسبت به سیاست بی‌طرف بود؛ چه در ۲۸مرداد که در راسته ناصرخسرو برایش امضا جمع می‌کردند و او امضا نکرد، چه در زمان انقلاب ۵۷ که هیچ‌گونه طرفداری نسبت به حزبی نداشت و تنها به کارش مشغول بود. در ۵۰ دقیقه انتهایی مستند، ناگهان ورق برمی‌گردد. با وقوع انقلاب، گروه‌های فشار، تدروها و افراد چریکی به‌تدریج اوضاع شرکت را نابه‌سامان کردند. کارگران حاضر نبودند کار کنند و شعارهای مارکسیستی می‌دادند. یکی از گزارش‌هایی که در روزنامه‌های کثیرالانتشار آن دوره چاپ شده بود، درباره کارخانه داروسازی عبیدی واقع در جاده کرج است که پس از سه ماه کشمکش بین کارگران و کارفرمای این کارخانه، فعالیت خود را متوقف ساخت. وزارت بهداری و بهزیستی، در پاسخ به درخواست‌های



# سالگرد خشم

## درباره بحران اقتصادی وال استریت و پاسخ به این پرسش که بحران‌های اقتصادی چه زمانی به جنبش سیاسی تبدیل می‌شوند؟

| <div>سعید خوش‌بین</div> |
|-------------------------|
| <div>گروه اقتصاد</div>  |

۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱ گروهی از معترضان در نزدیکی وال‌استریت نیویورک گرد آمدند و پارک زوکوتی را به محل اعتراض خود تبدیل کردند. آنچه ابتدا تجمعی محدود علیه قدرت بانک‌ها و مؤسسات مالی به‌نظر می‌رسید خیلی زود به جنبشی فراگیر با شعاری ماندگار تبدیل شد که شعارشان این بود: «ما ۹۹ درصدیم». جنبش «اِشغال وال‌استریت» نه حزب سیاسی داشت، نه رهبر واحد و نه حتی برنامه اقتصادی منسجمی که بتوان آن را جایگزین وضع موجود کرد. با این حال یک موفقیت مهم داشت و توانست، ناراضیانی‌های پراکنده اقتصادی را به یک روایت سیاسی ساده تبدیل کند. اینکه یک درصد از جامعه از نظام اقتصادی سود می‌برد و ۹۹ درصد دیگر هزینه آن را می‌پردازد. این تجربه پرششی مهم در اقتصاد سیاسی ایجاد می‌کند، چرا میلیون‌ها نفر ممکن است سال‌ها با تورم، بیکاری، کاهش درآمد یا نابرابری زندگی کنند اما اعتراض بزرگی شکل نگیرد و در مقطعی دیگر یک شوک اقتصادی نسبتاً کوچک‌تر به جنبشی سیاسی تبدیل شود؟ به بیان دیگر بحران اقتصادی در چه شرایطی از سفره مردم عبور می‌کند و به خیابان، صندوق رأی یا جنبش سیاسی می‌رسد؟

نخست باید میان سخنی اقتصادی و بحران سیاسی ناشی از اقتصاد تمایز گذاشت. فقر به خودی خود انقلاب نمی‌سازد همان‌طور که نابرابری به تنهایی مردم را به خیابان نمی‌آورد. در جهان کشورهای بسیار فقیری وجود داشته‌اند که برای دهه‌ها از ثبات سیاسی برخوردار بوده‌اند و در مقابل، اعتراض‌های گسترده‌ای در جوامعی شکل گرفته که سطح زندگی آنها بسیار بالاتر بوده است. آنچه اهمیت دارد فقط سطح رفاه نیست؛ تغییر رفاه، انتظار مردم از آینده و تفسیر آنها از علت این تغییر نیز تعیین‌کننده است. یکی از مهم‌ترین عوامل، «شکاف انتظارات» است. انسان‌ها معمولاً وضعیت خود را فقط با یک استاندارد مطلق مقایسه نمی‌کنند؛ گذشته خود، زندگی دیگران و آینده‌ای را که انتظار داشته‌اند نیز معیار قرار می‌دهند. فردی که همیشه درآمد پائینی داشته ممکن است، فقر را وضعیتی پایدار تلقی کند اما خانواده‌ای که طی یک دهه به طبقه متوسط پیوسته و ناگهان با تورم، بیکاری یا سقوط ارزش دارایی‌هایش روبرو می‌شود، احساس بسیار متفاوتی دارد. مسئله فقط این نیست که فقیرتر شده؛ احساس می‌کند چیزی که به‌دست آورده بود را از او گرفته‌اند. به همین دلیل است که سقوط

| <div>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                 |
|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <b>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی</b>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                     |
| <span></span> <div>برابرای شماره ۱۳۰۰۰۶۰۹۳/۱۴۰۵۰۳/۱۴۰۵ مورخه ۱۴۰۵/۰۳/۱۴ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقر در واحدثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه پلانمعارض متقانی آقای اختم محمدرضا مرادی پیرمزدی فرزندانمترقی بشماره شناسنامه ۱۵۵ کدملی ۲۲۵۲۵۰۰۰۰۰ صادره از کرمانشاه مبنی برصورسندمالکیت نسبت به شناننگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۷/۷۷۲۵۲۲ مترمربع در پلاک ۱۸۸ اصلی (روستای کمک) واقع در بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک خریداری از مالک رسمی آقای اختم مترقی مرادی پیرمزدی محرز ثبت گردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب درنوبت به فاصله ۱۵ روزآگهی می شوددر صورتی که انقضای نسبت به صدورسندمالکیت متقانی اعتراض داشته باشندمی توفلندارتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم وپس ازافترسدیادطرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است درصورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهد شد.۲۸۴/۲۸۴</div> |
| <b>محمد عباسی</b> – رئیس ثبت اسناد و املاک                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                          |
| <span><span>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴</span></span> <span><span>تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۱</span></span>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |

### آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون عملیات تحدید حدود ششدانگ پلاک ۳۲۵ فرعی از ۳۵ – اصلی واقع در روته رودبار قصران بخش ۱۱ تهران به عمل نیامده است، لذا برحسب درخواست کتبی مالک آقای یاشار بایرامی خلیج فرزند اکبر به شماره ملی ۰۰۱۷۳۵۲۰۲۷ صادره از تهران در تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ روز ۴شنبه ساعت ۹ صبح در محل شروع و به عمل خواهد آمد بنابراین چنانچه مالکین مشاعی و مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل هستند می توانند مستندا به تبصره ۲ ماده واحده تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی مصوب ۱۳۷۳/۰۲/۲۵ مجلس شورای اسلامی موضوع ماده ۱۶ قانون ثبت اعتراض خود نسبت به تحدید حدود را ظرف مدت ۳۰ روز کتبا به اداره ثبت فشم تسلیم و سپس ظرف مدت یک ماه دادخواست خود را به دادگاه عمومی حوزه مربوطه تسلیم و رسید آن را به اداره ثبت فشم ارائه نمایند در غیر این صورت پس از سپری شدن مدت واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت به نام مالکان طبق مقررات اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۶/۲۴

**۱۳۹۷۵ م الف**
**رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فشم –امیرحسین آذرینان**
**شناسه آگهی۲۲۷۵۵۲۱**

## توسعه

### بررسی تحولات اقتصادی

ناراضیاتی از وضعیت موجود عمیق‌تر می‌شود. در این مرحله، مسئله از درآمد امروز به امید به فردا منتقل می‌شود. شاید خطرناک‌ترین بحران اقتصادی از نظر سیاسی نه بحرانی باشد که مردم را فقیر می‌کند بلکه بحرانی باشد که تصور پیشرفت را از بین می‌برد. عامل چهارم، وجود یک روایت قابل فهم از مقصر است. بحران‌های اقتصادی پیچیده‌اند. تورم، بحران بانکی، رکود یا کاهش دستمزد واقعی معمولاً حاصل مجموعه‌ای از عوامل هستند و توضیح آنها به زیان اقتصاد آسان نیست. اما جنبش‌های سیاسی با مدل‌های اقتصادسنجی شکل نمی‌گیرند؛ آنها به روایت نیاز دارند.

«ما ۹۹ درصدیم» از همین جهت بسیار قدرتمند بود. این شعار توضیح دقیقی از اقتصاد آمریکا ارائه نمی‌کرد اما مسئله‌ای پیچیده را در قالب داستانی بسیار ساده قرار می‌داد: اکثریتی که می‌یازد و اقلیتی که می‌برد. تقریباً همه جنبش‌های اقتصادی – سیاسی موفق چنین لحظه‌ای دارند؛ زمانی که مجموعه‌ای از ناراضیانی‌های پراکنده در یک جمله، تصویر، حادثه یا نماد جمع می‌شوند. تا پیش از آن ممکن است یک نفر از تورم ناراضی باشد، دیگری از بیکاری، فردی از قیمت مسکن و دیگری از فساد. اینها هنوز چهار ناراضیاتی جداگانه‌اند. جنبش زمانی متولد می‌شود که افراد به این نتیجه برسند همه این مشکلات ریشه مشترکی دارند. در آن لحظه «مشکل من» به «مشکل ما» تبدیل می‌شود. عامل پنجم، بسته شدن مسیرهای اصلاح است. وجود ناراضیانی لزوماً مردم را به اعتراض خیابانی سوق نمی‌دهد. اگر شهروندان تصور کنند، می‌توانند از طریق انتخابات، احزاب، رسانه‌ها، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها یا دیگر نهادها بر سیاست‌گذاری اثر بگذارند، بخش مهمی از انرژی ناراضیاتی از مسیرهای نهادی تخلیه می‌شود. حتی شکست سیاسی نیز قابل تحمل‌تر است، وقتی امکان ناشش دوباره وجود داشته باشد. اما اگر این تصور شکل گیرد که سازوکارهای موجود قادر به اصلاح وضع نیستند، رفتار سیاسی تغییر می‌کند. در چنین شرایطی هزینه مشارکت اعتراضی در ذهن شهروندان کاهش می‌یابد زیرا گرینه‌های جایگزین کم‌اثر به نظر می‌رسند. بنابراین یکی از عوامل تعیین‌کننده در تبدیل بحران اقتصادی به جنبش سیاسی نه فقط شدت بحران بلکه میزان اعتماد به سازوکار اصلاح بحران است. عامل ششم، شوک است. ناراضیاتی مزمن الزاماً به اعتراض منجر نمی‌شود و گاهی حتی برعکس، مردم خود را با شرایط نامطلوب سازگار می‌کنند. اما یک اتفاق ناگهانی می‌تواند تعادل را برهم بزند؛ مثلاً جهش قیمت یک کالای ضروری، ورشکستگی یک بانک، افزایش شدید بیکاری، حذف ناگهانی یک حمایت عمومی یا افشای فسادای بزرگ. اهمیت چنین رویدادی همیشه متناسب با اندازه اقتصاد آن نیست. گاهی یک تصمیم نسبتاً محدود از نظر بودجه‌ای، اثر سیاسی عظیمی دارد زیرا به نماد مجموعه‌ای از مشکلات تبدیل می‌شود. اقتصاددان ممکن است بگوید سهم این تصمیم از درآمد خانوار چند درصد بیشتر نیست؛ شهروند اما ممکن است آن را نشانه‌ای از بی‌عدالتی گسترده‌تر بداند. در سیاست، معنای یک قیمت گاهی از خود قیمت مهم‌تر است. عامل هفتم امکان همدنگی است. میلیون‌ها نفر ممکن است ناراضی باشند اما هر کدام تصور کنند، تنها هستند. این همان مسئله کلاسیک کنش جمعی است. اعتراض برای فرد هزینه دارد، درحالی‌که منافع احتمالی آن میان همه توزیع می‌شود. بنابراین هرکس

**هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی**

## آگهی فقدان سند مالکیت

محدودیت ها:

محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۲۰۲۴۰۷ و شماره سیستمی ۱۴۰۱۲۱۲۰۱۰۴۵۰۳۲۰۷۷ مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۲۹ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۶۰ شهر اهواز استان خوزستان که بنفع بانک ملت مدیریت شعب استان خوزستان (شعبه خیابان طالقانی اهواز) به مبلغ ۱۸/۰۰۰/۰۰/۱۰/۰۰۰ ماه ثبت شده.

لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت فوق الذکر و درخواست المثنی آن مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ این نامه اجرایی قانون ثبت در یک نوبت آگهی می گردد تا هر کس مدعی است سند مالکیت نزد وی بوده و یا نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده و در این آگهی ذکر نشده است باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله اعلام نماید (متذکر میگردد در صورت ارائه سند مالکیت یا سند معامله و تهیه صورتمجلس یک نسخه از صورتمجلس به ارائه دهنده تحویل و اصل سند مسترد خواهد شد) و در صورت عدم وصول اعتراض مطابق مقررات سند مالکیت المثنی را صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

**۱۳۹۷۱ م الف**
**کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران – یوسف کشتکار**
**دینه رودی**

**شناسه آگهی۲۲۷۵۴۹۹**

## آگهی فقدان سند مالکیت

شماره ملی ۴۸۴۹۶۱۳۴۳۸ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند سند مالکیت ۱۰۰۳۸ تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۳۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۳۸۶ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۵۷۰۶۷ سری الف سال ۹۶ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۰۴۲۰۳۰۰۵۸ ثبت گردیده است.

حقوق ارتفاقی ملک: ندارد

محدودیت ها: ندارد

پلاک فوق با عنایت به گواهی دفتر املاک و دفتر بازداشتی در قید بازداشت نمی باشد. لذا با توجه به اعلام فقدان سند مالکیت ملک فوق الذکر و درخواست صدور المثنی آن مراتب اعلام تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله کرده که در قسمت چهارم این آگهی ذکر نشده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارایه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

نشانی ثبت محل: خیابان شیخ هادی نرسیده به خیابان جمهوری نبش کوچه رجب بیگی پلاک ۳۶۶ اداره ثبت اسناد و املاک مولوی **سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران –فاطمه دهقان زاده**
**۱۳۹۶۶ م الف**
**سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مولوی تهران –فاطمه دهقان زاده**
**شناسه آگهی۲۲۷۵۴۶۶**

ممکن است ترجیح دهد، دیگری هزینه اعتراض را بپردازد. جنبش‌ها زمانی شکل می‌گیرند که این مانع شکسته شود. شبکه‌های اجتماعی، اتحادیه‌ها، دانشگاه‌ها، گروه‌های حرفه‌ای، اجتماعات محلی و حتی یک تجمع اولیه می‌توانند به افراد نشان دهند که ناراضیاتی آنها فردی نیست. لحظه‌ای که فرد می‌بیند، هزاران نفر دیگر نیز همان احساس را دارند، محاسبه هزینه و فایده تغییر می‌کند. به همین دلیل فناوری ارتباطی می‌تواند، سرعت سیاسی شدن بحران‌های اقتصادی را افزایش دهد؛ نه لزوماً چون ناراضیانی بیشتری تولید می‌کند بلکه چون ناراضیانی‌های موجود را به یکدیگر متصل می‌کند. با این حال بحران اقتصادی همیشه به جنبشی اصلاح‌طلبانه یا دموکراتیک منتهی نمی‌شود. همان خشم اقتصادی می‌تواند به پوپولیسم، ملی‌گرایی افراطی، پیگانه‌هراسی یا تقاضا برای یک دولت اقتدارگراتر نیز تبدیل شود. کسی که احساس می‌کند، نظام اقتصادی علیه او کار می‌کند الزاماً خواهان بازار رقابتی‌تر یا دولت پاسخگوتر نمی‌شود؛ ممکن است خواهان کنترل قیمت، حمایت‌گرایی، مصادره ثروت، بستن مرزها یا ظهور رهبری باشد که وعده دهد بدون توجه به قواعد موجود مشکلات را حل می‌کند. از این منظر، خطر بحران‌های طولانی فقط اعتراض نیست؛ تغییر ترجیحات سیاسی جامعه است.

اگر شهروندان برای مدت طولانی احساس کنند، نظم موجود قادر به تأمین حداقلی از امنیت اقتصادی نیست، ممکن است حاضر شوند آزادی، رقابت یا قواعد نهادی را با وعده ثبات و امنیت مبادله کنند. در نهایت می‌توان گفت هیچ عدد مشخصی وجود ندارد که با عبور تورم، بیکاری یا ضرب جینی از آن، جنبش سیاسی آغاز شود. رابطه اقتصاد و سیاست خطی نیست. جامعه ممکن است سال‌ها فشار اقتصادی شدیدی را تحمل کند سپس حادثه‌ای کوچک آن را به حرکت درآورد. آنچه بحران اقتصادی را سیاسی می‌کند، ترکیبی از چند عامل است: افت محسوس سطح زندگی، شکاف میان انتظار و واقعیت، احساس توزیع ناعادلانه هزینه‌ها، بسته شدن افق پیشرفت، کاهش اعتماد به امکان اصلاح و شکل‌گیری روایتی که مشکلات فردی را به سرنوشتی جمعی تبدیل کند. درس وال‌استریت نیز شاید همین باشد. بحران مالی در سال ۲۰۰۸ آغاز شد اما جنبش اشغال وال‌استریت سه سال بعد شکل گرفت. زمان لازم بود تا زیان اقتصادی به احساس بی‌عدالتی تبدیل شود، بی‌عدالتی به روایت سیاسی راه پیدا کند و آن روایت در جمله‌ای کوتاه متبلور شود: «ما ۹۹ درصدیم». بنابراین نقطه آغاز یک جنبش سیاسی را نباید فقط در جدول تورم، رشد اقتصادی یا بیکاری جست‌وجو کرد.

نقطه بحرانی جایی است که مردم دیگر مشکلات اقتصادی را مجموعه‌ای از بدشانسی‌های شخصی نمی‌بینند. وقتی فکر نکنند، بیکاری‌اش فقط مشکل خودش نیست، مستأجر افزایش اجاره را صرفاً گرفتاری شخصی نداند، جوان ناکامی خود را نتیجه کم‌کاری فردی تلقی نکند و طبقه متوسط کاهش رفاهش را حادثه‌ای موقت نبیند، اتفاق مهمی رخ داده است. بحران اقتصادی زمانی به جنبش سیاسی تبدیل می‌شود که «من چرا عقب افتادم؟» جای خود را به این پرسش بدهد: «چرا ما عقب افتادیم و چه کسی از این وضع سود می‌برد؟» در فاصله میان این دو پرسش، اقتصاد به سیاست تبدیل می‌شود.

# ۲۴۰ مصادره اموال

## نگاهی حقوقی به یک موضوع قضایی

**گروه اجتماعی:** در خبر تازه قوه قضائیه، عددی وجود دارد که به‌تنهایی می‌تواند، توجه را جلب کند: ۲۴۰ مورد از اموال افرادی که مقام‌های قضایی آنها را «خان به وطن» و مرتبط با دولت‌های متخاصم توصیف کرده‌اند با دستور قضایی توقیف شده است. هم‌زمان ۱۸۲ حساب بانکی نیز مسدود شده و بیش از دو هزار استعمال از بانک مرکزی درباره حساب‌های متهمان در حال پیگیری است. روایت رسمی می‌گوید، این اقدامات در چارچوب قانون تشدید مجازات جرم جاسوسی و همکاری با رژیم صهیونیستی و کشورهای متخاصم انجام شده و هدف، حفظ حقوق عامه و در مواردی جبران خسارت بزه‌دیدگان است. اما همین خبر پرسشی قدیمی‌تر را دوباره پیش می‌کشد: پرسشی که در پرونده‌ها معمولاً زیر سایه ضرورت برخورد با جرم قرار می‌گیرد. مجازات یک فرد تا چه اندازه می‌تواند به دارایی او تسری پیدا کند و چه تضمینی وجود دارد که مجازات از جرم فراتر نرود؟

روی این سخن و مطلب با کسانی که فعالیت‌های مسلحانه یا اقدامات مخرب انجام داده‌اند یا در رسانه‌های جنگ‌طلب خارج از کشور دعوت به شورش و تخریب کردند نیست. درباره افرادی است که در داخل کشور ممکن است غفلت کرده باشند.

این پرسش وقتی جدی‌تر می‌شود که پرونده صادق ساعدی‌نیا را کنار این آمار قرار دهیم؛ پرونده‌ای که به گفته قوه قضائیه به صدور حکم ۱۲ سال و ۶ ماه و یک روز حبس تعزیری و مصادره کلیه اموال منقول و غیرمنقول او به‌نفع دولت منجر شده است. قوه قضائیه درباره ساعدی‌نیا اعلام کرد او

### اینترنت

## تلاش برای اینترنت آزاد

### عبور از فیلترینگ و فیلترشکن‌ها برای گسترش شبکه



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

اینترنت ایران در وضعیتی قرار گرفته که محدودسازی دیگر فقط مسئله دسترسی به چند پلتفرم نیست. از یک طرف، شبکه با صدها هزار رخداد امنیتی در روز، اختلال مسیرهای بین‌المللی و هزینه‌های فزاینده نگهداری و توسعه روبه‌روست و از طرف دیگر، بخشی از کاربران برای عبور از محدودیت‌ها به VPN و مسیرهای جایگزین روی آورده‌اند. حالا حتی استارلینک، که تا همین چندی پیش بیشتر در ادبیات رسمی به‌عنوان یک تهدید احتمالی مطرح می‌شد، به گفته معاون وزیر ارتباطات به واقعیتی در شبکه ایران تبدیل شده است.

بهزاد اکبری، معاون وزیر ارتباطات و مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت، در نشست خبری اخیر خود درباره بخشی از این وضعیت با صراحت صحبت کرد. او گفت، «فیلترینگ، کارآمد نبوده و تبدیل به ضد خودش شده است». به گفته او، محدودیت دسترسی نته‌ها هزینه استفاده از اینترنت را برای کاربران بالا برده بلکه استفاده گسترده از فیلترشکن‌ها را نیز به‌دنبال داشته است؛ ابزارهایی که بخشی از آنها می‌توانند خود منشأ آلودگی و نشت اطلاعات باشند.

این اظهارنظر از سوی مدیری که مسئولیت بخش اصلی شبکه ارتباطی کشور را برعهده دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ به‌خصوص وقتی در کنار آمار حملات سایبری و کاهش بخشی از ترافیک رسمی شبکه قرار می‌گیرد.

### بخشی از ترافیک دیگر از مسیر رسمی نمی‌رود

اکبری می‌گوید اکنون حدود ۹۰ درصد ترافیک بین‌الملل به شبکه رسمی بازگشته اما نزدیک به ۱۰ درصد هنوز در مسیرهای قبلی دیده نمی‌شود. برآورد شرکت ارتباطات زیرساخت، کاهش حدود یک تریلیت بسر ثانیه‌ای ترافیک را نشان می‌دهد. به گفته او، بخشی از این ترافیک ممکن است از مسیرهایی مانند استارلینک عبور کند. تعداد دقیق کاربران استارلینک در ایران مشخص نیست و شرکت اسپیس‌لیکس این اطلاعات را در اختیار دولت ایران قرار نمی‌دهد اما اکبری می‌گوید، تعداد ترمینال‌ها و میزان استفاده از این سرویس

از فعالان حوزه کافه‌داری بوده که با انتشار استوری‌هایی در فضای مجازی و هم‌صدایی با گروه‌های مخالف، هم‌زمان با فراخوان‌ها به تحریک مخاطبان و شکل‌گیری ناآرامی‌ها در قم کمک کرده و در ادامه تخریب اموال عمومی و خصوصی رخ داده است. براساس همین روایت، اتهام او «فعالیت رسانه‌ای و تبلیغی علیه امنیت کشور به‌نفع گروه‌های معاند» عنوان شده است. در چنین پرونده‌ای، مسئله نخست این نیست که آیا رفتار مجرمانه باید بدون پاسخ بماند یا نه. هیچ نظام حقوقی نمی‌تواند در برابر اقدامات خشونت‌آمیز بی‌تفاوت باشد. صالح نقره‌کار، حقوقدانی که در این باره با سازندگی گفت‌وگو کرده نیز بر ضرورت برخورد قانونی با خشونت، تخریب و تهدید امنیت شهروندان تأکید دارد. مسئله از جایی آغاز می‌شود که مجازات، علاوه بر آزادی فرد، تمام دارایی او را نیز دربر می‌گیرد. در اینجا اصل «تناسب جرم و مجازات» اهمیت پیدا می‌کند؛ اصلی که قرار است مانع از آن شود که واکنش کیفری بیش از اندازه لازم باشد. اگر قرار است مال فردی مصادره شود، پرسش حقوقی این است که آیا میان آن مال و جرم ارتكابی، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد یا خیر.

### مصادره با جبران خسارت یکی نیست

در خبر قوه قضائیه، توقیف اموال با هدف حفظ حقوق عامه و حتی جبران خسارت بزه‌دیدگان توضیح داده شده است. سخنگوی قوه قضائیه نیز گفته، اموال در نهایت باید در جهت جبران خسارت بزه‌دیدگان مورد استفاده قرار گیرد. اما از منظر حقوقی، این دو موضوع را نمی‌توان به‌سادگی

یکی گرفت. جبران خسارت نیازمند تعیین مسئولیت و میزان خسارت است؛ مصادره، اقدامی بسیار گسترده‌تر است که می‌تواند، مالکیت فرد را به‌طور کامل از میان ببرد. نقره‌کار بر همین تفاوت دست می‌گذارد. به گفته او، فلسفه مصادره باید محروم کردن مجرم از عواید ناشی از جرم یا ابزار ارتکاب آن باشد نه اینکه تمام دارایی فرد، صرف‌نظر از ارتباطش با جرم، مشمول مجازات شود. او هشدار می‌دهد که در غیر این صورت، حقوق خانواده و اشخاص ثالث نیز ممکن است تحت‌تأثیر قرار گیرد. این همان نقطه‌ای است که خبر ۲۴۰ مورد توقیف را از یک آمار قضایی به مسئله‌ای درباره امنیت حقوقی تبدیل می‌کند. هرچه دامنه توقیف‌ها گسترده‌تر شود، اهمیت تشخیص دقیق اینکه کدام مال، متعلق به چه کسی و مرتبط با چه جرمی است نیز بیشتر می‌شود.

### قانون باید حتی در شرایط سخت هم محدودیت داشته باشد

قوه قضائیه تأکید کرده که تصمیم درباره توقیف یا رفع توقیف اموال، متناسب با شرایط و مستندات هر پرونده و پس از بررسی قضایی انجام می‌شود. این بخش از روایت رسمی مهم است چون نشان می‌دهد، اصل تصمیم‌گیری موردی

### شبکه‌ای که هم‌زمان باید توسعه پیدا کند و از آن دفاع شود

در سوی دیگر ماجرا، شبکه ارتباطی کشور با موجی از حملات سایبری روبه‌روست. طبق آمار اعلام شده از سوی اکبری، روزانه حدود ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار رخداد امنیتی از خارج به داخل ثبت می‌شود و شمار حملات داخلی نیز به حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار مورد در روز می‌رسد. این حملات در دوره جنگ متوقف نشده‌اند. به گفته اکبری، حملات DDos به‌طور مستمر شناسایی و دفع می‌شوند و یک حمله بزرگ نیز در دو هفته گذشته مهار شده است. بنابراین شبکه ایران هم‌زمان دو وظیفه متناقض را بر دوش دارد: باید برای اتصال بیشتر و عبور حجم بالاتری از داده آماده شود و در همان حال در برابر حملاتی دفاع کند که بخشی از آنها از خارج کشور می‌آیند. شرکت ارتباطات زیرساخت می‌گوید، ظرفیت شبکه در یک سال گذشته افزایش یافته و ظرفیت IP کشور از ۱۰۰ تریلیت بر ثانیه عبور کرده است. طول شبکه فیر نیز به بیش از ۸۶ هزار کیلومتر رسیده و بیش از ۴۰۰ مرکز و ایستگاه در شبکه فعال است. با این حال توسعه ظرفیت به تنهایی مسئله اینترنت ایران را حل نمی‌کند؛ زیرا کیفیت دسترسی در نقطه‌ای تعیین می‌شود که زیرساخت، سیاست محدودسازی، تحریم و رفتار کاربر به هم می‌رسند.

### یک طرف امنیت را می‌بیند، طرف دیگر کیفیت شبکه را

همین‌جا اختلاف دیدگاه میان مدیران فنی شبکه و مدافعان ادامه محدودیت‌ها روشن‌تر می‌شود. رسول جلیلی، عضو حقیقی شورای عالی فضای مجازی، از مخالفان رفع محدودیت پلتفرم‌های خارجی است. از نگاه او مسئله فقط کیفیت اینترنت یا هزینه دسترسی نیست. سکو‌های مانند اینستاگرام، به دلیل مالکیت و کنترل خارجی، می‌توانند در شرایط بحران به ابزار اثرگذاری، جمع‌آوری داده و جنگ شناختی تبدیل شوند. در این نگاه، رفع محدودیت بدون حل مسئله حکمرانی داده و مالکیت سکو‌ها، امنیت کشور را با ریسک تازه‌ای مواجه می‌کند. این استدلال در نقطه مقابل نگاه اکبری قرار می‌گیرد. مدیر شبکه درباره پیامدهای عملی محدودیت حرف می‌زند: VPN، نشت اطلاعات، کاهش کیفیت، خروج بخشی از ترافیک از مسیرهای رسمی و افزایش هزینه دسترسی. در واقع اختلاف اصلی بر سر این نیست که امنیت مهم است یا نه. اختلاف بر سر این است که امنیت اینترنت از کجا شروع می‌شود؛ از کنترل سکو و محتوای آن یا از ساختن شبکه‌ای که کاربر برای رسیدن به اینترنت جهانی مجبور نباشد از مسیرهای ناشناس عبور کند.

فیلترینگ قرار بود، مسیر دسترسی را محدود کند. اما در عمل بخشی از کاربران را به مسیرهای دیگری برده است؛ مسیرهایی که هزینه بیشتری دارند و دست‌کم به گفته مدیر شبکه، در برخی موارد امنیت کمتری هم دارند.

دست‌کم در بیان حقوقی دستگاه قضایی، پذیرفته شده است. اما نگرانی حقوقدانان دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود: «تناسب» چگونه سنجیده می‌شود و چه مرزی برای آن وجود دارد؟

نقره‌کار می‌گوید حتی در شرایط جنگی و اضطرابی، تشدید برخورد کیفری نباید به کنار گذاشتن اصول دادرسی عادلانه، حق مالکیت و حقوق شهروندی منجر شود. از نگاه او، حق مالکیت تنها زمانی می‌تواند، محدود شود که مبنای قانونی روشن، حکم دادگاه صالح و رعایت اصل تناسب وجود داشته باشد. این بحث البته به‌معنای نادیده گرفتن خسارت‌هایی که ممکن است در جریان ناآرامی‌ها یا اقدامات خشونت‌آمیز به افراد و اموال عمومی وارد شده باشد، نیست. مسئله این است که مسئولیت باید شخصی و مستند باشد. کسی که مرتکب تخریب شده باید در چارچوب قانون پاسخگو باشد؛ اما تبدیل این مسئولیت به مجازاتی که به اموال نامرتبط با حقوق اشخاص ثالث سرایت کند، بحث دیگری است.

پرونده ساعدی‌نیا و آمار ۲۴۰ مورد توقیف بنابراین یک سوال مشترک را پیش روی افکار عمومی می‌گذارند: در جایی که امنیت ملی در میان است، خط میان برخورد قاطع با جرم و گسترش مجازات کجاست؟

### جامعه

## ۱۳.۶ میلیون نفر بدون یارانه

### ۲۸ میلیون نفر در سه دهک پائین

با وجود اجرای سیاست حذف یارانه خانوارهای پردرآمد، آمار مردادماه نشان می‌دهد تعداد دریافت‌کنندگان یارانه نقدی همچنان حدود ۷۳.۴ میلیون نفر است؛ رقمی که معادل بخش عمده‌ای از جمعیت کشور است. براساس اعلام مرکز آمار، جمعیت کشور ۸۷ میلیون و ۷۳ هزار و ۵۵۴ نفر برآورد شده و از این تعداد ۷۳ میلیون و ۴۳۷ هزار و ۷۱۲ نفر در دهک‌های اول تا نهم یارانه دریافت می‌کنند. در مقابل ۱۳ میلیون و ۶۳۵ هزار و ۸۴۲ نفر در فهرست یارانه‌بگیران قرار ندارند. بیشترین سهم یارانه‌بگیران همچنان متعلق به دهک‌های چهارم تا نهم است. در مردادماه ۴۵ میلیون و ۲۲۴ هزار و ۵۶۹ نفر در این ۶ دهک قرار داشته‌اند؛ درحالی که جمعیت سه دهک نخست به ۲۸ میلیون و ۲۱۳ هزار و ۱۴۳ نفر رسیده است. مقایسه با تیرماه نشان می‌دهد، جمعیت سه دهک پائین ۴۷ هزار و ۳۵۶ نفر افزایش یافته و جمعیت دهک‌های چهارم تا نهم نیز ۴۹ هزار و ۱۲۵ نفر بیشتر شده است. در همین ماه برای ۱۰ میلیون و ۳۸۶ هزار و ۲۹۹ سرپرست خانوار در دهک‌های اول تا سوم یارانه ۴۰۰ هزار تومانی پرداخت شده و مجموع اعتبار این پرداخت حدود ۱۱۲ هزار و ۸۵۲ میلیارد ریال بوده است. در دهک‌های چهارم تا نهم نیز ۱۵ میلیون و ۶۷۰ هزار و ۹۹۸ سرپرست خانوار یارانه ۳۰۰ هزار تومانی دریافت کرده‌اند؛ رقمی که هزینه‌ای حدود ۱۳۵ هزار و ۱۰۳ میلیارد ریال برای دولت داشته است. این آمار در شرایطی منتشر می‌شود که دولت پیش‌تر حدود ۹ میلیون نفر از دهک‌های پردرآمد را از فهرست یارانه‌بگیران خارج کرده بود. با این حال، تغییرات ماهانه جمعیت دهک‌ها لزوماً به‌معنای افزایش یا کاهش واقعی فقر نیست؛ چراکه به‌روزرسانی اطلاعات درآمد، دارایی و تراکنش‌های بانکی می‌تواند، جایگاه خانوارها را میان دهک‌ها جابه‌جا کند.

